اداره مخطوطات

نام کتاب: جنگ (ریاضی ۱) * [illegible]

مؤلف متن:

محشی:

شارح:

مترجم:

تاریخ تحریر: ۱۳ ق

نوع خط: نسخ تحریری

تعداد سطر: ۱۵

نام کاتب:

موضوع: علوم غریبه

زبان: فارسی

عدد اوراق: ۱۳۱

طول: ۱۵

عرض: ۸

شماره عمومی: ۳۲۴۰۱

وقفی / خریداری: [illegible]

تاریخ وقف: [illegible] ۸۴

ملاحظات: [illegible]

* شامل: سعد و نحس ایام، علامه [illegible]، اختلاج اعضاء، اعمال [illegible]، [illegible]، طالع نامه

۱۳۲

فصل در آفتاب گرفتن

اگر روز یکشنبه آفتاب بگیرد

سلطان را ضعف پدید

آید و دزد آن [illegible]

[illegible] بگیرد

در میان مردم اختلاف

بسیار باشد و خلق عظیم بقتل

[illegible]

[illegible] بالصواب فصل [illegible]
ماه ناهر یعنی کرفتن [illegible]
ماه رمضان نیکو بود و [illegible]
اندر آن سال در [illegible]
[illegible]
و سلاطین عاجز باشند و
رعیت از ظلم بیرون اید و
الله اعلم بالصواب
فصل در آفتاب کرفتن
اکر روز یکشنبه آفتاب بکیرد
سلطان را ضعفی پدید
آید و دزد آن [illegible]
[illegible] بکیرد
درمیان مردم اختلاف ۵
بسیار باشد و خلق عظیم بقتل
[illegible]

... اگر ماه بگیرد اندر آن
سال باران سخت بود نعمت
فراخ بود سلطان را عاجز
بود و صلاح در میان شهر
... سلطانیان باشد دزدان
مفسدان اندر حد مغرب
سخت باشد و دانا بسته شود دز
دان بسیار بود ماه ذی الحجه

اگر ماه بگیرد اندر آن سال
باران بسیار بود و پیوسته سه
ماه تمام بود نقصان جو رقه
باشد و طعام میل به بالا کند
و سلاطین عاجز باشند و
رعیت از ظلم بیرون اید و
الله اعلم بالصواب
فصل در آفتاب گرفتن
اگر روز یکشنبه آفتاب بگیرد
سلطان را ضعف پدید
آید و دزد آن مفسد ...
... آفتاب بگیرد
در میان مردم اختلاف
بسیار باشد و خلق عظیم بقتل
...

در ماه های دوازده گانه ایضا

پس در مار سال که در ماه محرم
آفتاب بگیرد دران سال ارزانی
باشد ودر آخر سال درد او
بهایمها ودر مردم حادث شود
و پادشاه بر دشمنان ظفر یابد
و زلزله حادث شود وبعد از
ان بسلامت باشد پس در مار
سال که در ماه صفر آفتاب بگیرد
در ناحیه مغرب ترس وگرسنگی
مردم را رو دهد وجنگ وکشش
بسیار بود واقع شود ودر مغرب

[illegible] بود ... پس در ماه ر
کار به بود ودهقانان ازکار
ماند بود ورا بسته شود مرد
بیع الاول آفتاب بگیرد درمیان
مردم صلح پدید آید واختلاف
کم باشد وپادشاه مغرب ظفر
یابد وگاو وگوسفند کم باشد
در آخر سال فراوانی بهم رسد
ودر بادیه درمیان شتران
درد بهم رسد مار سال که در
ماه ربیع الثانی آفتاب بگیرد
درمیان مردم اختلاف
بسیار باشد وخلق عظیم بقتل
[illegible]

۵

خروج کند و بیم و ترس و
کشش حادث شود و مرگ
بسیار باشد و هر سال که روز ماه
جمادی الاول آفتاب بگیرد
در روزی مردم فراخ باشد
در ناحیهٔ مشرق و مغرب
پادشاه با رعیت در مقام
شفقت باشد و با ایشان ا
حسان نماید و پاس خاطر
ایشان بدارد هر ساله که
جمادی الآخر آفتاب بگیرد
مرد عظیم در جانب مغرب
بمیرد و در بلاد مصر شبکهای
عظیم و کشش بسیار واقع شود

و در بلاد مغرب در آخر سال
گرانی بهم رسد هر سال که ماه
رجب آفتاب بگیرد زمین
آبادان شود و در کوهستان
ها و در ناحیهٔ مشرق باران
بسیار ببارد و در ناحیهٔ فارس
ملخ فرا رود اید اما ظرر با ایشان
نرسد هر سال که در ماه شعبان
آفتاب بگیرد همه مردم از شر
پادشاه سالم باشند و پادشاه
بر دشمنان ظفر یابد و در
مغرب و در بلاد جبل در
آخر سال مرگ در میان مردم
بسیار باشد و بزودی برطرف

شود هر سال که در ماه رمضان
آفتاب بگیرد مردمان بهار کی پاد
شاه فارس را اطاعت کنند و
روم را بر عرب غلبه عظیم بهم
رسد پس ایشان بر روم غالب
شوند و غنیمت و اسیر بسیار
از ایشان بگیرند هر سال که
در ماه شوال آفتاب بگیرد
در بلاد سند و تیخ کفش
بسیار شود و گیاه زمین در شهر
های مشرق بسیار باشد هر
سال که در ماه ذالقعده
آفتاب بگیرد باران بسیار بیارد
و خرابی در ناحیه فارس بظهور

آید

آید هر سال که در ماه ذیحجه آ
فتاب بگیرد باد بسیار بود و کم
شود و در شهر از شهرهای
مغرب خرابی پدید آید و کند
و جو کم و گران باشد و کسی بر
پادشاه خروج کند و از بسیار
از وبه پادشاه برسد و در فا
رس خود دنیها گران شود و
در سال دیگر ارزان شود
فصل در ترجمهٔ حدیث شریف
است که مشتمل است بر احکام
کسوف و خسوف و حوادث
هر سال شیخ بزرگوار قطب
الدین راوندی در کتاب قصص

الانبیا روایت کرده است بسند
خود از شیخ صدوق محمد ابن
بابویه قمی و سند را متصل کردا
نیده بحضرت مبین الحقایق
امام جعفر محمد الصادق صلوا
ت الله علیه که آنحضرت فرمود
که در کتاب حضرت دانیال پیغمبر
ع نوشته است که هر گاه اول محرم
روز شنبه دران سال زمستان
بسیار سرد باشد و باد و باران
دران سال بسیار باشد و یخ
فراوان باشد و گندم گران باشد
و طاعون و مرگ کودکان بسیا
ر باشد و تب بسیار باشد و عسل

کم باشد

کم باشد و زراعتها از آفت ه
سلامت باشد و به بعضی از در
ختان میوه و انگور آفت
برسد و ارزانی باشد و در روم
طاعون باشد و عرب با ایشان
جنگ کنند و اسیر و غنیمت بسیار
از ایشان بدست عرب در آید
و پادشاه در جمیع مواضع
غلبه باشد بمشیت حق تعالی
و بروایتی دیگر مرگ در میان
چهار پایان بهم رسد و اسهال
و قولنج عارض شود و در میان
مردمان درد گلو
و زکام و ورمها و دردها بسیار

باشد و دران ترس و غارت
و جنگ بسیار باشد خصوصا در
عراق و بغداد و اطراف ان
و در روم مرگ بسیار باشد و
میان عرب و روم کارزار افتد و
عرب بر روم غالب ایند و آم
منیت و نعمت در بابل بوده باشد
و در بحرین و نواحی ان اختلاف
بسیار در میان مردم پدید آید و
قحط و غلا در میان ایشان
بهم رسد و از عرب ترسان
باشند و عمال ایشان بر ایشان
تعدی کنند و گیاه در مراعی
عرب فراوان باشد در آخر سال

وبرپادشاه

و بر پادشاه عجم خروج کنند و
بر ایشان غالب آید و دران سال
دنبلها و آبله و گری بسیار باشد
و مرغان بسیار باشند و روغن
و گوشت و عسل و پنبه و کتان گران
باشد و خرما و انگور و میوه ها
در بلاد همدان و فارس نیکو
باشد و بدرختان بلاد روم و بصره
و اطراف ان افت برسد و میوه ها
اکثر بلاد گران باشد و کنجد بسیا
ر باشد و در زمستان باران بسیا
ر بارد و اندک آفتی بان ها برسد
و ظروف مس و اشباه آن گران
باشد و پشم و موی گران باشد و

و مرغ خوانگی کم باشد و مرغان
شکاری بسیار بمیرند و در بلاد
یمن اختلاف عظیم ظاهر گردد
و شاید بنهب و غارت منتهی
گردد و شاید یکی از آفتاب و ماه
منخسف گردد و شهب بسیار با
شد و در یکماه آن خون بسیار ر
یخته شود و گویند که چنین سال
عنوس است و قابیل هابیل را در
چنین سالی کشته و آخرش
نیکست هرگاه اول محرم یکشنبه
باشد زمستان نیکو گذرد و
باران بسیار ببارد و بعضی
از درختان و زراعتها آفت

رسد

برسد و دردهای مختلف و
سرفه‌های صعب شایع گردد
و عسل کم بعمل آید و در هوا اثر
طاعون و وبا هم رسد و در آخر
سال اندک گرانی در خردنی‌ها
حادث شود و در آخر سال
پادشاه غلبه رود بد و بروایتی
دیگر در این سال زمستان
سرد و تابستان معتدل گذرد
و میوه و حبوب و زراعت
در اکثر بلاد عراق نیکو باشد
و آفتی بمیوه‌های بحرین و لحسا
و قطیف برسد و در بلاد
مشرق و بلاد جبل ارزانی

باشد و گوسفند و شتر بسیار باشد
و گیاه صحرا فراوان باشد و
آبله کودکان بسیار باشد و زیدن
زنان دشوار باشد و در کوهها
مرگی بهم رسد و در یکماه ان
درد بسیار مردم را عارض شود
و در آخر سال گرانی بهم رسد
سبب اختلاف سلاطین
در غیر بلاد یمن و در بلاد سند
اطفال بسیار بمیرد و جو و روغن
بسیار باشد و اختلاف جنگها
در میان پادشاهان بشود و
دروغ و اختلاف در میان عا
مه ناس بسیار باشد و کارزار

میان

میان عرب و عجم واقع شود و
در شام حرب و فتنها پدید اید
و حاکم بعضی از اهل فساد را
بقتل رساند و در زمین جبل
که همدان و نواحی ان باشد
کشش بسیار شود و مرد جلیل
القدر از ایشان کشته شود
و پادشاه بابل بر مردم مستو
کردد و از بعضی وزراء اختلا
ف ظاهر شود و بر پادشاه بشو
رد و بگریزد یا کشته شود و گروهی
بر پادشاه طغیان کنند و مغلوب
کردند و کواکب در آسمان ظاهر
شود از ناحیهٔ مشرق که دنباله

داشته باشد واین سبب حدوث
قتل وغارت وگرانی گردد واین
علامت فساد بسیار شود ومرد
صاحب شان کشته شود ان ستاره
علامت وزیدن بادهای سخت و
وقوع امراض وبسیاری دزدان
در دریا وصحرا گردد وعسل گران
شود وحاجیان را غارت کنند
وتمام قرص ماه یا بعضی ازان
منخسف گردد هرگاه اول محرم
روز دوشنبه باشد زمستان
نیکو گذرد وتابستان بسیار گرم با
شد وباران در وقتش بسیار بارد
وگاو وگوسفند بسیار بوجود آیند

وعسل

وعسل بسیار باشد ونرخ خوردنی
ها در بلاد جبل یعنی شهرهای که
در بلاد جبل وآذربایجان و
عراق عرب وخوزستان وفارس
است وبعضی گویند یعنی همدان
وحوالی ان ارزان ومیوه بسیار
باشد وزنان بسیار بمیرند ودر آخر
سال کسی بر پادشاه خروج کند
در نواحی مشرق وبعضی از
فارس غم ودلگیری برسد وزکام
در بلاد جبل بسیار باشد وبروایت
دیگر دران سال آب فراوان باشد
وشیر حیوانات بسیار باشد وباران
بسیار باشد وحبوب بسیار باشد
خصوصا عدس وماش وباقلا

ونرخها ارزان وعسل فراوان
باشد خصوصا در فارس وهمدان
وراه زن ودزد در هند وفرنک
بسیار شود وسیب وزردالو و
سایر میوها در بلاد فارس وبصره
وشام نیک بعمل آید وخربزه
وخیار در ولایت مشرق و
عمان نیکو باشد ودران سال خرما
ومیوها وکشت وروغن فراوان
ولیکن زر در میان مردم کم باشد
ودر بلاد مشرق واطراف
هند واشکند دیه مرک بسیا
باشد ودر زمستان زفاف
وتزویج زنان بسیار واقع شود

ودر

ودریا طغیان کند وبعضی
از بلاد را غرق کند وآب فرات
ونیل کم باشد وباین سبب
مدت دو ماه در مصر قحط عظیم
پدید آید ومواشی وچهار
پایان در صحراها نیک باشد
واسب وشتر وگاو در هر نا
حیه فربه باشد وزکام در
بلاد جبل واطراف او بسیار
باشد وحبوب ومیوها در
مکه معظمه بسیار باشد و
لیکن فساد دران بلده طیبه
حادث شود وخارجی از نواحی
مشرق بیرون آید ودر بلاد

فارس بیم وهراس عظیم از بعضی
سلاطین حادث شود وقلعه
در اطراف مشرق یا جنوب
از تصرف اصحابش بیرون
رود ومحتمل است که یکی از
آفتاب وماه منکسف گردد
ودر مردم اضطراب پدید
آید وبر پادشاه مشرق کسی
خروج کند وحاجیان بسلامت
بروند ودر شبی دزدی بایشان
برسد وآسیبی از او نیابند
هرگاه اول محرم روز شنبه
باشد زمستان بسیار سرد باشد

وبرف

وبرف ویخ بسیار باشد ودر بلاد
جبل ودر ناحیهٔ مشرق کوسفند
وعسل بسیار باشد وبه بعض
از درختان میوه وانگور آفت
برسد ودر ناحیهٔ مغرب وشام
حادثهٔ در آسمان ظاهر شود
که از آن خلق بسیار بمیرند وبر
پادشاه صاحب خروج قوی
خروج کند وپادشاه بر او غا
لب آید ودر زمین فارس بعضی
از غلها آفت باو رسد و
در آخر سال نرخها گران شود
وبروایت دیگر زراعت بسیار
بعمل آید وباران بسیار بارد

و آب فرات طغیان کند و شاید در
تابستان باران ببارد و فصل پاییز
نیکو گردد و میوه‌ها در بلاد جبل و
هندوستان بسیار باشد و گندم
و جو و عدس فراوان باشد و
در بصره و لوبیا و ماش و باقلا فرا
وان باشد و خرما کم بعمل آید و ارزا
نی آفتی برسد از سرما و در بلاد
فارس از ملخ آفت بزراعت بر
سد و میوه درین سال بسیار
باشد و زر کم باشد و گردکان و بادام
و مویز بسیار باشد و نرخها در
اول سال در جمیع بلاد ارزان با
شد و عسل فراوان باشد و خربزه
و خیار را آفتی برسد و نکار د دیبا

بشود

بشود و آفتی از سرما یا از گرما بجها
ت بلاد مغرب برسد و در بعضی از
شهرها کسی بر پادشاه خروج کند
و در پادشاه عجم و ترک اضطرابی
حاصل شود و در میان عرب
و عجم و اهل عراق قتالی پدید آید
و شخصی از مشایخ عرب کشته شود
و در میان عربان بادیه و مواشی
ایشان در آخر سال مرگی بهم رسد
و در آسمان ستاره دنباله دار
پدید آید که علامت جنگ و گرانی
باشد یا سرخی عظیم ظاهر شود
که علامت هلاک بعضی از وزرا
باشد و در مصر و شام و سقالبه طاعون

طاعونی و قحطی بهم رسد ارکاه
اوّل محرّم روز چهارشنبه باشد
زمستان وسط باشد و در بهار
باران های نافع ببارد و غلات
و میوه ها در بلاد جبل و بلاد مشرق
بسیار باشد اما مردان بسیار میرند
در آخر سال و در زمین بابل و
بلاد جبل آفتی بمردم برسد و نرخها
ی سال ارزان باشد و پادشاه
بر دشمنان غالب باشد و بروایت
دیگر عسل درین سال بسیار باشد
و آب دجله طغیان کند و در بلاد
شام مرگ بسیار باشد و اکثر اطفال
بمیرند و ملخ مزروعات ایشان را

طلف

طلف کند و در آخر سال قحطی
در میان ایشان بهم رسد و باران
درین سال بسیار ببارد که بسیاری
از خانها خراب شود و عمارت
ها منهدم گردد و درختان خرما
ضایع شود و در آخر سال حرکات
شود و برق و رعد عظیم ظاهر
گردد و بادها تند بوزد و بیماری
بسیار باشد و زنان آبستن بسیار
بمیرند و در آخر سال در ناحیهٔ
فارس مرگ بسیار باشد و و
حشیان صحرا و مرغان شکاری
بسیار باشند و بز و گاو نیکو با
شند و بیع و شرای و معاملات

١٦

بسیار واقع شود و در شتران کره
بهم رسد و شاید مرکی در چهار
پایان پدید آید و در فصل پاییز
بیماری بسیار باشد و در اطراف
مدینه جنگ عظیم روی دهد
و مشایخ علما بمیرند و در بلاد
یمن از خوف و قتل و غارت
خراب شود و باز معمور
شود و در میان عربان بادیه
کشش بسیار شود و باد شمال
بسیار بوزد و متاعها و پنبه گران
شود و کتان ارزان باشد
و ابریشم و حریر ارزان و نیکو با
شد و در میان عرب و عجم جنگها

رود بهد

رود بهد و عجم غالب شوند و پا
دشاه روم بمیرد و بزرگی از عرب بمیرد
در ایلم بسیار بمیرند و در فصل پاییز
مرض زحیر بسیار باشد و اختلاف
در میان سنه ۹۸ طین منه بهم رسد
و فتنها در بصره و ولایت فارس
حادث شود ۱۰۸۱ اول محرم
روز پنجشنبه باشد زمستان
ملایم کند و در جمیع نواحی
مشرق گندم و میوها و عسل
بسیار باشد و در اول سال و آخر
سال تب بسیار باشد و در زمین
بابل در آخر سال تب بسیار بهم
رسد و روم و ابر مسلمانان غلبه

۱۷

بهم رسد پس عرب برایشان
غالب شوند در ناحیهٔ مغرب
و در زمین هند محاربات واقع
شود و پادشاهان عرب مظفر
باشند و بروایت دیگر در اول
سال باریشی و سرما کم باشد
و ابر و رعد بی باران بسیار باشد
و در آخر سال باران بسیار
باشد و غلات و میوه‌ها در همه
بلاد ارزان و فراوان باشد
و سفر دریا در این سال نیکو
باشد و شکار ماهی بسیار شود
و روغن و نان گران شود
و آب نیل طغیان کند و روم

بر مسلمان

بر مسلمانان حمله بیاورند و
مسلمانان برایشان غالب شوند
و در بادیه جنگ بسیار بشود
و شاید که یکی از مشایخ ایشان
بقتل برسد و در بعضی از شهرها
کسی بر پادشاه خود خروج کند
و منهزم گردد و کارزار در
اکثر بلاد خصوصا بلاد فارس
بسیار شود و دزدان و راه زنان
دست برآورند و حکام بر
رعایا ستم کنند و بادهای تند
بوزد که درختان را برکند و
و در لحسا و قطیف و نواحی
آنها فتنه در میان عربان و با

دشاهان ایشان حادث شو
و پادشاه غالب کردد و در بلاد
حبشه و اطراف انها کارزار بسیار
شود و در بلاد فارس در آخر
سال میان سه طایفه فتنه
حادث شود و در این سال
مرک در کاو بسیار باشد و
لیکن کوسفند فراوان کردد
و شاید که ماه منخسف کردد
و بروایت دیکر حاکم قسطنطنیه
را بکشند و یا بکریزد و مفقود
شود یا او را قلع نمایند و و
لایت عجم را خرابی روی دهد
و ظلم از پادشاه و نایبان او ظاهر

شود

شود و رزد در میان مردم کم شود
و خلق از تنکی معاش بفغان
آیند و دادرس در میان خلا
یق نباشد و عرب بر عجم زیادتی
کنند و خلق بسیاری را بکشند
و ولایت ایشانرا خراب کنند
و عربان بر هم و میان بتازند و
و بعضی املاک از تصرف رو
میان بدر رود و پادشاه عجم
در اکثر جا مغلوب شود و باران
در وسط سال بسیار ببارد بی
فاید و رعد و برق بسیار باشد
و از همه اطراف بر پادشاه بیرون
آیند خصوصا طایفه ترکان

وحوارزم و از سمت قطب
شمال حرکت کنند و حوالی دریا
سند و خرابی بسیار بطبرستان
رسانند و ترکان با عجم در آویزند
و بر ایشان غلبه آورند و خلق
بسیاری از فقرا و رعیت پامال
و کشته شوند و احتمال دارد
که در این سال یا سال دیگر پادشاه
عجم از سمت مشرق بحرکت
آید و جبن و بیدلی باو راه یا
بد یا و حادثه عارض شود که مدت
توقف کند و امراء خراسان
و سکان بلاد نالان باشند و
احتمال دارد که لشکر از عجم در

عراق

عراق و خراسان جمع شوند و
رسولان از ولایت کفر بپادشاه
در آیند و در اول سال گندم گران
و نان عزیز شود و در دریا فتنه
پیدا شود و اضطراب عظیم با
اهل عمان راه یابد و اکثر ولایت
اهل دریا بقتل و غارت خراب
شود و کشتیها در بعضی اما
کن بدست والیان افتد و دلی
نیا بند و این علامت از پادشاه
باشد و غلبه سپاهیان خروج
باشد و امیر جلیل القدر کشته
شود و قوت علما بسیار باشد
و در میان این طایفه حسد

ونزاعها بسیار شود و اگر آفتاب
در این سال کسوف نماید بعضی
اماکن از تصرف والیان بدر رود
هرگاه اول محرم روز جمعه باشد
در زمستان سرما باشد و باران
کم بارد و آب چشمه‌ها و رودخانه‌ها
کم باشد و در بلاد جبل سد
فرسخ در صد فرسخ غله کم باشد
و مرگ در میان همه مردمان
بسیار باشد و در ناحیهٔ مغرب
گرانی باشد و بعضی از درختان
آفت رسد و روم را بر فارس
غلبهٔ عظیم بهم رسد و بروایت
دیگر غله در مصر و حبشه و شام

کم

کم بعمل آید و گرانی در بلاد
فرنگ و اطراف اندلس حادث
شود و ارزانی بسیار در بلاد فارس
بهم رسد و غلات بصره و عراق
نیکو شود و لیکن از جهت سلا
طین و عمال ستمها بایشان رسد
رسد و غلات جبل عامل و نوا
حی آن کم بعمل آید و انگور در
بصره و شام بسیار بعمل آید و
مرد صاحب شانی در بصره کشته
شود با گروه بسیار از اتباع او
و میوه‌ها در این سال نیک باشد
و آب دجله بحدی طغیان کند
که بغداد مشرف بر غرق

۲۱

گردد و پادشاه از پادشاهان
بمیرد و از اول ماه ربیع الا
ول تا آخر ماه جمادی الثانی درد
هایی بسیار در میان مردم پیدا شو
شود خصوصا درد گلو و درد
پشت و ورم های خلق و امراض
شکم و کلف و قوبا و حرب و
مبلها و بسیاری از زنان آبستن
فرزند بیندازند و بسیاری
از ایشان در وضع حمل بمیرند
و امیری از شام ظاهر شود و
بر مدینهٔ حضرت رسول صلی
الله علیه و آله مستولی گردد و شخ
و بعضی از بلاد غالب گردد و

اگر

اگر ستاره دنباله داری ظاهر
شود و فتنهای عظیم از آن بظهور
آید و کسی بر پادشاه روم خروج
کند و کودان و عجمان شوی کرد
و در زمین عراق خوف و اضطرا
ب و اختلاف بسیار باشد و
و مرد بزرگی از جبل عامل کشته
شود و مرد بزرگی در شام بقتل
رسد و در بلاد خراسان فتنهٔ
عظیم حادث شود و در اطفال
دردها پیدا شود و فتنه‌ها
بباران و سیل و آب چشمه‌ها
بسیار شود **فصل در علامت**

١٢

خسوف پس در هر سال که در ماه
محرم ماه بگیرد در مغرب مرد بزرگ
بمیرد و میوه در بلاد جبل کم باشد
و در میان مردم خارش بدن بسیار
باشد و در زمین بابل درد چشم
بسیار باشد و مرگ بسیار باشد
و نرخها گران شود و کسی بر پادشاه
خروج کند و پادشاه برو ظفر یابد
و لشکر او را بقتل آورد هر سال
که در ماه صفر ماه بگیرد قحط
و بیماری در شهرهای بابل حادث
شود بحدی که بیم هلاک باشد
شد پس بعد از آن باران بسیار
ببارد و گیاه زمین بسیار شود

واحوال

و احوال مردم نیک شود و در بلاد
جبل میوه بسیار باشد هر سال که
در ماه ربیع الاول ماه بگیرد در بلاد
مغرب کشش بسیار شود و مرض
یرقان در مردم بهم رسد و در نا
حیه شهرها میوه بسیار باشد
و در جبل کرم در سبزیها ایشان
بیفتد و خرابی بسیار در شهرها
پدید آید هر سال که در ربیع
الاخر ماه بگیرد آب در کوهها
بسیار باشد و فراوانی بهم رسد
و آب بسیار باشد و آن سال
مبارک باشد و پادشاه در حر
ب ظفر یابد هر سال که در جمیدی

الاوّل ماه بگیرد خونی بسیار در
بادیه ریخته شود و پادشاه شام
بلای عظیم برسد و کسی بر پادشاه
خروج کند و پادشاه ظفر یابد
هر سال که در جمیدی الاخر ماه
بگیرد باران کم آید و آب کم باشد
در نینوای که حوالی کوفه است
موصل و در انجا جوع عظیم و
وگرانی شد بد حادث شود
و پادشاه را بلای عظیم روی دهد
هر سال که در رجب ماه بگیرد
در ناحیهٔ مغرب طاعون و
قحط پیدا شود و در بابل باران
بسیار ببارد و در همه شهرها درد

چشم

چشم بسیار باشد هر سال که
در ماه شعبان ماه بگیرد پادشاه
کشته شود یا بمیرد و پسرش پادشاه
شود و تسیرات بالا شود و
قحط در میان مردم افتد هر سال
که در ماه رمضان ماه بگیرد در
بلاد جبل سرمای شدید شود
و برف و باران بسیار ببارد و آب
بسیار باشد و در زمین فارس درند
گان بسیار بهم رسند و در شهرها
مرگ اطفال و زنان بسیار باشد
هر سال که در شوّال ماه بگیرد
پادشاه بر دشمنان غالب شوند
و در میان بلاد فتنه بسیار باشد

٧٤

هر سال که در ذی القعده ماه
بگیرد شهرهای فسخ شود وکنجها
در بعضی اززمین ناکوها پیدا
شود هر سال که در ذی الحجه ماه
بگیرد مرد بزرگی در مغرب بمیرد
و مرد فاجری دعوای پادشاهی
کند والله اعلم بالصواب
تعبیر خواب نامه حضرت یوسف
علیه السلام که قضا نه آرد ایضا
بسم الله الرحمن الرحیم
در بیان خواب از گفتار حضرت
یوسف ع هر که پیغمبر ما را در
خواب بیند خود را از نیک و بد
معلوم کند باید بدین تعبیرنامه
عمل نماید تا معلوم شود هر که

الله

الله تعالی را در خواب بیند هم
همیشه دل او خوش وخرم بود تا
ان شخص زنده باشد بدون
یاد حق باشد بهدین کار نپردازد
هر که فرشته را در خواب بیند
کار دنیا و آخرت بد او بخیر و خو
بی شود همیشه در طاعت و عبادت
باشد هر که پیغمبر ما را در خواب
بیند تا زنده باشد در دنیا هرگز
شر یتی نکند و بهشت او را نصیب
شود صاحب مرتبه گردد هر که
امیر المؤمنین ع را در خواب بیند
البته انشخص به بزرگی و پادشا
هی رسد از عنت خلق دستگاری

۲۸

یابد در رزق و روزی
بر روی او کشاده کردد هرکه انبیا
و اولیا را در خواب بیند کار او
نکو شود هرکه مرده را در خواب
بیند کار او جمله با صلاح آید هرکه
بیند مرده چیزی بوی داد
البته توانکر شود هرکه در خواب
بیند که مرده چیزی از وی کرفت
نشانه بیماری بود هرکه بیند همراه
مرده میرود بزودی بمیرد هرکه
در خواب بیند که خود مرده است
عمراش دراز شود اکر بیند که مرده
بروی اعراض کرده باید که چیزی
صدقه بدهد که نیک باشد اکر

بیند

بیند خون از اعضای او بیرون رود
مالدار شود اکر بیند که کسی او را
میکشد از ناکاه خبر ناخوشی بوی
رسد اندیشه ناک شود اکر بیند
که میکوید او را در آن روز خرمی
و شادی پدید آید اکر بیند که با
اهل خانه خود طعام می خورد کار
آخرتش نیک شود اکر بیند که با
فرشته سخن می کوید کارش روز
بروز طفیر یابد اکر جو در خواب
بیند درجه اش بلند شود اکر
کندم در خواب بیند غمکین شود
اکر آرد در خواب بیند از غم
خلاص شود اکر آرد جو در

خواب بیند فراخ روزی شود
اکر جاورس در خواب بیند
متعهد کردد اکر خرما در خواب
بیند همیشه در چشم خلایق عز
یز باشد اکر انکور در خواب بیند
از سلطان نفعی بوی رسد اکر
سیب در خواب بیند نشاط
مند و سخی بود اکر انار در خواب
بیند صاحب نعمت شود اکر
زر در خواب بیند در نظر پادشا
هان و بزرکان عزیز کردد اکر
نقره را در خواب بیند در
میان خلایق عزیز شود اکر
پیس در خواب بیند در میان
قوم جمعیت تمام پیدا کند اکر

سرب

سرب در خواب بیند رنجی
بوی رسد بر کشتن زود بود
اکر کنج در خواب بیند کار
خوفناکی از دستش بیرون
آید اکر در خواب بیند که در
سایهٔ درختی میوه دار است
استاده او کسب حلالی بارهم
بکیرد اکر در خواب بیند که
آتش در وی افتاده خدا او
را از بلاها نکاه دارد اکر کیاه
در خواب بیند سرانجام خانهٔ
او باشد از تنکی اکر جاروب
در خواب بیند ملول ماند

بیشه ناک شود اگر آب تیره در
خواب بیند عیش او بغایت
تیره شود اگر آب صاف در
خواب بیند روزی حلال
یابد اگر در خواب بیند که آب
بسیار میخورد اگر بزرگی بود دنیا
د شاهی برسد اگر در خواب بیند
ثو که میخورد صفا از حلق او
بیرون آید واعظ شود اگر
در خواب بیند در آب نجس
غسل میکند غمگین شود اگر
در خواب بیند که بخاک فرو ر
فته خدا او مرا از شر ظالم نگاه

دارد

دارد اگر در خواب بیند خاک می
خورد فراخ روزی شود اگر در
خواب بیند که باخاک بازی میکند
از کار ما صواب تو بر کند اگر در
خواب بیند که آتش افروخته
است آن روز خشم واعراض
بیند اگر آتش ضعیف در خوا
بیند بیمار شود اگر در خواب
بیند که آتش خواستر است
با دوستان خود اعراض کند
اگر در خواب بیند که طعام
و نان می خورد از غم و پریشانی
خلاص شود اگر در خواب
بیند که آتش در وافتاده است

آن روز البته با کسی جنگ کند اگر
باد سخت در خواب بیند لشکر
بیگانه در ولایت ملک پدید شود
اگر در خواب بیند که باد او را
از جای بکند از میان خانمانش دو
شمن پدید شود اگر در خواب
بیند که باد از خلق او چیزی بردی
آید از دو دشمن خلق او چیزی آید
اگر در خواب بیند که درخت
از بیخ میکند البته در آن دیار
بزرگی بمیرد اگر در خواب بیند
که باد شهری را خراب کرده باشد
او ملک بغم مبدل شود اگر
در خواب بیند که انگشتری

فیروزه

فیروزه دارد قوت و شکوهش
در وی پدید شود اگر در خواب بیند
که انگشتری طلا در دست دارد
شود اگر در خواب بیند که فرزند
ی خواند آن سال خیر بیند که
و صاحب نعمت شود اگر در
خواب بیند که انگشتری وجود
باکم کرده غمی بدو رسد اگر در
خواب بیند که انگشتری
او بشکست کسی از قبیله او
بمیرد اگر در خواب
بیند که جامه نو پوشیده
جامه اش نیکو شود اگر در
خواب بیند که جامه

پوشیده اگر زن بود حرم شود
اگر مرد بود غنی بدو رسد اگر در
خواب بیند که جامهٔ کبود پو
شیده و نشانهٔ درد و غم بود
اگر در خواب بیند که جامهٔ زرد
پوشیده نشانهٔ رنجوری بود
اگر در خواب بیند که بیمار جامهٔ
سفید پوشیده اون شخص
بزودی بمیرد اگر در خواب بیند
که جامهٔ سبز پوشیده البته
صحت یابد اگر در خواب بیند
که گوسفندی کشته و بریان کرده
و خورد از بزرگی از رونق
حلال بهره دار کرده اگر در

خواب

خواب بیند که بر شتری نشسته
اگر قابلیت داشته باشد بپاد
شاهی برسد اگر در خواب
بیند که بدون بال شتر میرود
سعادت مند کرده اگر در
خواب بیند که شتر در عقب
او میرود بد باشد اگر در
خواب بیند که کوه اورا در
پیش در میان قوم خود عزیز
کرده اگر در خواب بیند که
سکی کشته مال و نعمت یابد
اگر در خواب بیند که سکی
بجانب او آوان کرد از ظالمی
حزن بوی رسد اگر در خواب

بیند که مار بر کشته از مال د
نیا توانکر کردد اکر درخواب
بیند که همراه سک میرود بر
دشمن ظفر یابد اکر درخوب
بیند که او را مار کزیده از دو
شمن آزاری بوی رسد اکر
درخواب بیند مار همراه
او بود واقف باشد که از دو
شمن آزاری بوی نرسد اکر
درخواب بیند که با کربه طعام
ی خورد مال بسیار جمع کند
اکر درخواب بیند که کربه را
طعام داد مال از دست او
بیرون رود اکر درخواب بیند

که کر

که کربه را کشته درویش شود
اکر درخواب بیند که کربه غی
کرده یا بول کرد مال نعمت یابد
اکر درخواب بیند که یک دست
او را بریدند در کار او خللی
پیدا شود اکر درخواب بیند
که کور شده آینهٔ روشنای در
کار او پیدا شود اکر درخواب
بیند که موی او دراز شده
درمیان قوم خود عزیز کردد
اکر درخواب بیند که موی او
سفید شده از قید غم و پر
یشانی بیرون آید اکر درخواب
بیند که موی خود را می شوید

حق سبحانه وتعالی گناهان او
را بیامرزد اکر در خواب بیند
که بازوی او را ببریدند دشمن
او رسوا کردد اکر در خواب بیند
دفتنه در میان خلق سر رشته
پیدا کند اکر در خواب بیند که
با آفتاب سخن می کوید بزودی
در رزق و روزی او کشاده
شود اکر در خواب بیند که
ستاره پیش او بزیر آمد اکر
بزرگست پادشاه شود اول
بر سر قوم حکومت کند اکر
در خواب بیند که در آسمان
نگاه می کند در میان خلق بوم

اکردد

کردد اکر در خواب بیند که ابدال
شه دینار ایشت بازند اکر در
خواب مرد ظالم را بیند دنیا و
آخرت او خوب شود اکر در
زخ در خواب بیند نشانه توبه
کردنست اکر صاعقه را در خواب
بیند از دو شمن او را بیم بود
اکر برق در خواب بیند خرابی
و فتنه بود اکر کرک در خواب بیند
چشم او را خللی پیدا شود
اکر برف و یخ در خوب بیند
نشانه بیماری بود اکر سرکه در
خواب بیند البته چیزی کم کند

اگر در خواب شراب بیند بعده
رسوا شود اگر یخنك در خواب
بیند او را درد قولنج بگیرد
اگر تریاک در خواب بیند
صاحب خلق واداك شود
اگر فیل در خواب بیند بسیار
خوب باشد اگر در خواب بیند
که بر فیل سوار شوه البته با
دشاهی وحکومت برسد
اگر در خواب بیند که فیل سر
در عقب کذاشته تصدقی
بدهد اگر دارو درمان ۶
در خواب بیند مثل جوزه
هیل و یخنك و دارچینی بهه

نوع

هر وبیست که از اول ماه تا آخر
ماه چه بخشش الله تعالی بدانکه
هر کسی در اول ماه خواب بیند
دروغست دوم سیم اگر خیر بیند
شر واقع شود واگر شر بیند خیر
واقع شود چهارم وپنجم و ششم
بعد از چند روز یا بعد از یکماه
یا بعد از یکسال هرچه در خواب
دیده باشد نتیجه بخشد هفتم
هشتم هرچه در خواب بیند ظاهر
شود نهم دهم دروغست
یازدهم دوازدهم تعبیر ندارد
هرچه بیند چنان شود سیز
دهم چهاردهم مخفی دروغست

یازدهم صحیح است و خلاف
ندارد شانزدهم هفدهم بعد از
یکسال یا بعد از یک ماه تعبیر
همان است که دیده است هجدهم
و نوزدهم راست شود خوابی
که دیده است بستم و بیست
یکم دروغست بیست دویم
خوابی که بیند تعبیرش فرح و
شادیست بیست سیم و بیست
چهارم اگر بد در خواب بیند نیک
شود و برعکس میشود بیست
پنجم و بیست ششم بعد از صد روز
یا بعد از یکماه و یک سال چنان
شود که در خواب دیده است

بیست

بیست هفتم و بیست هشتم هر خوا
بی که دیده چنان شود بیست و
نهم دروغست آخر ماه هر چه
خوابی که دیده شود آن است
و الله اعلم بالصواب بسم الله الرحمن الرحیم
بدانکه این نسخه ایست از تعبیر
یوسف صدیق علیه السلام
و تعبیر مشکل را جواست و تعبیر
خواب علم شریف است از معجزه
یوسف صدیق است و حکما
و معتبران درین باب رنج بسیار
کشیده اند و احتیاطی تمام بجا
آورده اند و از همه کتابها این
این کتاب را مختصر کرده اند

۳۴

بر دوازده باب آخر نهاده اند
کی تا خوانش را بیرون آوردن
تعبیر خواب آسان شود و بنزدیک
بزرگان مرتبه عظیم باشد **باب**
اوّل در بیان روایت نور خدای
عز و جل و بین پیغمبران و فرشتها
و بانکه نماز و قامت و نماز کذاردن
و طهارت کردن و شانه دادن
و مشایخ زهاد و عباده مرده دیدن
و بکریستن و افتاب و ماه تاب
و ستاره کان و پادشاهان دیدن
و هرکه نور خدای عزّ و جل را
در خواب بیند از دنیا و آخرت
از همه خوفها و محنتها خلاص
یابد و بمقصود هر دو جهان رسد

و هرکه

و هرکه پیغمبران را در خواب بیند
زاهد و عالم کردد و سرور و منعم
حال باشد **و هرکه** فرشته را در
خواب بیند بحج رود و یا غزا
کند یا فتوح باشد **و هرکه** قیامت
قائم شدن در خواب و یا مرا
را در خواب بیند بسیاست
سلطان و یا ترس صاحب بود
صدقه بدهد بهتر باشد
و هرکه بانکه نماز و قامت در خواب
بیند و بکوید قوی کردد و پیشوا
باشد **و هرکه** پادشاه در خواب
بیند نیک بود و اکر خندان
بیند از وی خیر رسد
اکر بخشم بیند از وی خوشنود

شود و هرکه آفتاب و ماهتاب
را در خواب بیند و ستاره گان
را بیند بدولت عظمی رسد
چنانکه خویشان و خداوندان و
عزیزان دیگر از وی بیارامند و
هرکه مشایخ را در خواب بیند علم
گویان گردد و بیاموزد و هرکه مرده
را در خواب بیند ایمن باشد از
بلاها اگر مرده چیزی بطلبد
صدقه بدهد نان گرم و چرب
و هرکه از مرده چیزی بیابد
نیک مرادی پیش آید چیزی
گم شده بدست رسد و هرکه
زنده را در خواب بیند که مرده
باشد عمر او دراز شود و هرکه

خود را در خواب پیران بیند
دران دو تاویل است یکی انکه از
گناهان پاک شود دویم انکه در
سفر رود و با فتح باز آید و هرکه
خود را و یا غیری را در خواب
گریان بیند اول شب بیند تمام
سال در عیش گذرد و اگر میان
شب بیند شش ماه شادمان
گردد و اگر در وقت بامداد بیند
دران روز شادمان و مسرور
گردد باب دویم در دو نقره و سیم
و مروارید و هرکه زر سرخ را
در خواب بیند بد است صدقه
بدهد و هرکه نرخ را جانب دیگری
بیند کارا و بنظام گردد و هرکه سیم

۳۷

سیاه را در خواب بیند رنج
برسد و اگر کبوتر را در خواب
بیند پسر بلند بخت در خانه
او متولد شود و اگر مروا
رید را در خواب بیند تندر
ستی راحت شود و اگر
انگشترین را در خواب بیند
حاکم و ضابط گردد باب سیوم
در دیدن دعوی و خصومت
و آهن تیغ و اگر دعوی و خصو
مت در خواب بیند از حکمت
دشمنان خالی نباشد زبان خود
نگاه باید داشت و اگر آهن را
و مس را و ارزیز را و روئین
را و برنج را در خواب بیند شغل

از نجاس شغل

نوع بوی خوش فراخ عیش
بود اگر طاووس در خواب بیند
عمر او دراز شود اگر کلاغ
در خواب بیند مدت فسق
بوده باشد اگر در خواب بیند
کم ترازو در بار شکست واقع
شود بمیرد اگر مسجد در خواب
بیند طالب علم شود اگر قیامت
در خواب بیند در طاعت حرص
کند اگر آفتاب در خواب بیند
از پادشاه نفع بوی رسد اگر
عمارت در خواب بیند زیاد
تی عمر بود اگر کاروب در خواب
بیند بسیار بسیار خواب باشد

٣٧

هر بوی خوشی در خواب شادی
و عیش بود اکر زعفران در خواب
بیند بیماری بود اکر حمام در خواب
بیند غم و الم بود اکر در خواب
بیند خود جال بود شادی و
خرمی بود اکر در خواب بیند
کنیزك فروخته از غم خلاص
شود اکر آتش در خواب بیند
آشوب و فتنه باشد اکر در
آتش ضعیف در خواب بیند
بیماری بود اکر در خواب بیند بوته
خزینه زیادتی نعمت مال بود
اکر در خواب بیند که فصد و
حجامت از کناهان پاك شود

اکر

اکر در خواب بیند که چراغ یا
شمعی در دست دارد خداوند
او را فرزند کرامت کند اکر
در خواب بیند که در آب در
یای نیل غرق شده نشانه موت
او باشد اکر در خواب بیند بکو
هی بالا میرود مرتبه او بلند
شود صاحب جاه و منصب
کردد اکر در خواب بیند که سنك
دارد خوشنودی کردد اکر در خوا
ب بیند که نماز می کند خدا او
را از آتش دوزخ نکاه دارد
اکر در خواب بیند که با مکه م
معظمه میرود خدای تعالی او

را نیک بخت گرداند اگر در
خواب بیند که در تاریکی نشسته
است خدای تعالی او را برو
شنائی کرامت نماید اگر در خوا
ب بیند روغن میخورد باری
غم بر خاطر او نشیند اگر د ر
خواب بیند که عمامه سیاهی
بر سر دارد دیوانه شود اگر
در خواب بیند عمامه سفید
بر سر دارد خوب باشد اگر در
خواب بیند هندوانه بیمار شود
اگر کردکان در خواب بیند
نشانه فرزند بسیار بود اگر در
خواب بیند که دندانش شکسته
و ریشش سفید شود اگر علم

یا مصحف

یا مصحف در خواب بیند نشانه
عزیب بود اگر مروارید در خواب
بیند نشانه شادکامی بود اگر در
خواب بیند شفتالو نشانه
دولت و نعمت بود اگر ترنج در
خواب بیند نشانه غم بود اگر گو
شت در خواب بیند نشانه خوا
بی مزاج بود اگر پیاز در خواب
بیند نشانه دماغ خشکی بود اگر
ترب در خواب بیند زیادتی عمر بود
اگر آب سرخ در خواب بیند نشانه
جنگ و جدل بود اگر نمک در
خواب بیند نشانه اسباب
خانه بود اگر آوازی طبل در

خواب بیند نشانهٔ ظفر با خوشی
بود اگر دسمان در خواب بیند
قوت بدن بود اگر دیگ در خواب
بیند نشانهٔ زندگانی بود اگر
در خواب بیند مهمان دیدن نشانهٔ
عمل صالح بود اگر زندان در خواب
از پادشاه بیم بود اگر دوزد در
خواب بیند فتنه بود اگر جامه
در خواب بیند نجات از بلاها
بود اگر غسل در خواب بیند از
غم خلاص شود اگر نارنج در خوا
ب بیند او را از سلطان بیم بود
اگر مصالحه در خواب بیند بسیار
نیک بود اگر ماست در خواب
بیند زیادتی روزی بود اگر

عیش

عیش نشاط و نقش و نگار در خواب
بیند باعث دانشمندی بود اگر آیینه
در خواب بیند باعث توبه بود
اگر در خواب بیند که بر استر سوار
بود غمناک بود اگر در خواب بیند
که تازیانه می زند دولت و نعمت
بود اگر تاج در خواب بیند نشانهٔ
مملکت و پادشاهی بود اگر گوشت
شتر در خواب بیند مال حلال بود
اگر گوساله در خواب بیند خیر و بر
کت بود اگر گاو فربه در خواب
بیند نشانهٔ خوبی و فراخیت
بود اگر گاو لاغر در خواب بیند
نشانهٔ قحطی و تنگی بود اگر آرون
شوی دن در خواب بیند هیبت

بود اگر جامهٔ کهنه در خواب بیند
غم واندوه بود اگر موچه در خواب
بیند نشانهٔ حرص بود اگر ملخ در
خواب بیند شکوه انبوه غم بود
اگر ماهی بزرگ در خواب بیند
نشانهٔ درازی عمر بود اگر در خوا
ب بیند که خون می خورد مال ه
حرام بود اگر در خواب مرده را در
کنار بیند توانگری بود اگر در
خواب بیند که شیخ شده نشانهٔ
طلاق دادند زن بود اگر مهتاب
در خواب بیند نشانهٔ زوال
وزیران بود اگر در خواب بیند
که از خانهٔ خود دور شده زن
بود اگر فرزند در خواب بیند که
کشته غم واندوه بود اگر در خواب

بیند

بیند که خاک می خورد نشانهٔ زوال
نعمت بود اگر ستاره را در خواب
بیند از دوستان نعمت بوی رسد
اگر سر خود را بریده در خواب بیند
غم واندوه بود اگر ملک الموت در
خواب بیند نشانهٔ درازی عمر
بود اگر شمشیر در خواب بیند
نشانهٔ سلطنت بود اگر در
خواب بیند که مرده بر کسی سلام
کردن ایمنی از خلق بود اگر پیغمبران
را در خواب بیند نشانهٔ عمر و دو
لت بود اگر باران سخت در خواب
بیند نشانهٔ جنگ و فتنه بود
اگر در خواب بیند که قرض کرده
نشانهٔ غم واندوه بود اگر امامان

٢١

را در خواب بیند نشانهٔ دانشمندی
بود اگر انگشتری در خواب بیند
بمقصود رسیدن بود اگر در
خواب بیند که با مردم چیزی
خوردن موجب زیادتی روزی
بود اگر از مردم چیز واستدن
بسیار خوب بود اگر در خواب
بیند که بمرده چیزی داده زوال
عمر و نعمت بود اگر موش در خواب
بیند زن بد بود اگر آهو در
خواب بیند میراث بود اگر
ماده گاو دیدن در خواب بسیار
خوب بود اگر در خواب بیند
که مار از شکم بیرون آمده فرزند

بود

بود اگر چوگان زدن در خواب
بیند نیك باشد اگر قصاب در
خواب بیند نشانهٔ موت باشد
اگر ابریشم در خواب بیند نشانهٔ
مال و نعمت باشد اگر پشم در خواب
بیند نشانهٔ درویشی بود اگر مر
غان را در خواب بیند قوت بدن
باشد اگر در خواب بیند که گوشت
ی خورند نحس و ناخوشی بود
اگر در خواب بیند که بر اسب
سوار شده مراد و عیش بود
اگر بیضهٔ مرغ در خواب بیند
رزق و روزی بود اگر بزغاله در
خواب بیند که کشته خوب بود
اگر در خواب گوسفند بیند

42

نعمت بود اگر حوان در خواب
بیند نشانهٔ تندرستی بود اگر
شیر در خواب بیند نشانهٔ دولت
بود اگر در خواب بیند که غازی
کند از کارهای بد توبه کند اگر
رخت شستن در خواب بیند
از غم و اندوه بیرون آید اگر علم
گرفتن در خواب بیند روزی
او زیاد شود اگر در خواب بیند
که میگریزد از روز شادمان شود
اگر حلوا در خواب بیند نشانهٔ
عاشقی بود اگر در خواب بیند
که تو فنگ در دست گرفته حیرانی
و سرگردانی بود بدانکه تعبیر
خواب از امام جعفر صادق ع

ویست

از جانب سلطان و صاحب خود
حواله شود چنانکه منفعت بد
و رسد و هرکه تیغ و کارد و گرز و
خود و تیر کمان و هر اسلحه در
خواب بیند و بپوشد قوتناک
شود از ملوکان بدو مرحمت
بدو رسد و هرکه حصار را در
خواب بیند از غم بیرون آید
و به مراد رسد و هرکه خود را بر بلند
و یا بر کوه و یا بر قصر سواد بیند
مرتبهٔ او بالا بلند شود باب
چهارم در دیدن غلها و اجناس
و هرکه گندم را در خواب بیند و
روزی ناگهان بود و هرکه جو را در
خواب بیند منفعت بدو رسد

و هر که اوزن در خواب بیند روز
ی بروی آرزانی باشد و هر که کرباس
و ریسمان و پنبه را در خواب بیند
نیک بود و مرادی پیش آید که
در آن شاد گردد و هر که ماش و لو
بیاه را و کنجید را در خواب بیند
رنج رسد از همان غله صدقه
بدهد تا بهتر باشد باب پنجم در د
یدن روغنها و سرکه و شیره جو
غرات و روغن و هر که روغن زرد
در خواب بیند مال نعمت بیاید و
هر که کنجید را در خواب بیند در
اندوه و غمگین باشد همان روغن
را صدقه بدهد و هر که جو
غرات در خواب بیند روزی

حلال

حلال بدست آید و هر که ترب
را در خواب بیند نعمت بروی
فراخ گردد و هر که سرکه را در خواب
بیند و ترشیهائی دیگر در خوا
ب دیدن زیادتی نعمت باشد
و هر که شربتها و الوانها در خواب
بیند دلیل خوشی و تندرستی
باشد باب ششم در دیدن میوه
تر و خشک و هر که انگور سیاه
و ترش را در خواب بیند با او رنج
رسد و هر که انگور و سیب شیرین
را در خواب بیند راحت و نعمت
بروی رسد و هر که انار را در خواب
بیند مقدار هر دانه درم از غیب
پیدا شود و هر که بادام و اخرو

عفونرا در خواب بیند مالی بی رنج
بدست آید اگر بشکند میان فر
زندان عزیز مفارقت پدید اید
و هرکه خربزه را در خواب بیند
روزی حلال بدست آید و هرکه
تره و بادرنگ در خواب بیند اندوه
بیند ولی باندک کذرد و هرکه مشک
و کافور و صندل و عبیر و کلاب را در
خواب بیند نیکی و راحت بیند
و هرکه گل سرخ را در خواب بیند
از دنیا چیزی نیکو بیند و هرکه
گل سفید را در خواب بیند مراد
عیش هم و هم دنیا باشد و هرکه
عود را در خواب بیند مال رفته

باز

باز بدست آید باب هفتم در د
یدن شیرینها و خوان حلواها
و هرکه حلوا را در خواب بیند و
یا بخورد خلق بروی ثنا کوید و
جمله شیرینها تعلق بخوشی دارد
و هرکه شکر و نبات و شهد را در
خواب بیند نیکو بود و مال یابد
و هرکه در خواب بیند که شیرینی
بخورد و راحت و نعمت یابد و
میان خلق شیرین کردد و هرکه در
خواب دارو درمان بخورد از
زحمت و رنج خلاص یابد و
بیغم بود و هرکه در خواب طهارت
کند از رنج نجات یابد و هرکه در
خواب خون کم کند دلیل تندرستی

باشد و هرکه در خواب شانه کند
موی خود را از غم بیرون آید
و هرکه خود را در خواب برهنه بیند
از منت خلق ایمن باشد و هرکه
در خواب بازو بریده بیند مرگ
فرزندان و برادران بیند باب
هشتم در دیدن جامهای رنگین
و ساده و هرکه در خواب جامهٔ زرد
پوشد بیماری بود صدقه بدهد
تا از وبلاها دفع شود و هرکه جامهٔ
سرخ را در خواب بیند سیاست
سلطان بود و هرکه جامهٔ سفید را
در خواب بیند و بپوشد امانی بود
و هرکه جامهٔ پاره در اعضای خود
در خواب بیند صدقه بدهد

و هرکه جامهٔ آسمان گون و کبود
در خواب بیند منفعت بدو رسد
و هرکه در خواب جامهٔ نو پوشد
حرمت و عزت بیابد و هرکه در
خواب سماع کند و خوشدلی و
عیش بیند و هرکه در خواب جامهٔ
شستن دهد از غمها خلاص یابد
و هرکه زراعت و عمارت در خواب
بیند خوشیها پدید آید و هرکه
در خواب قبا به پوشد و کفش
و موزه در پای خود بپوشد زن
برای وی نکاح کند و هرکه در خواب
کفش و موزه از پای خود در کند
با زن و مرد جدای افتد یا کنیزک
از خانه بیرون آید باب نهم در

بیان دیدن چهار پایان وحشی و
اهلی وهر که فیل را در خواب بیند
از سلطان وملوک وصاحب
نعمت یابد وهر که درخواب اسب
یا گله اسپان بیند بدولت ومراد
رسد وهر که درخواب گاو فربه
بیند دران سال غله فراوان شود
وهر که درخواب گاو لاغر بیند دران
سال غله گران بخورد وبیم باشد
وهر که درخواب گوسفند بیند
مال ونعمت از سر تا ناخن پای مبا
رک وفرخنده باشد وهر که آهو را
درخواب بیند فرزند نرینه در
خانه او تولد شود وهر که خرگوش
را درخواب بیند دختر صاحب

بخت

بخت تولد آید وهر که یوز دنبل
گاو وگورخر را درخواب بیند
روزی حلال بدست آید وهر که
خر را درخواب بیند با ظالمی کار ا
فتد اگر بکشد ظفر یابد باب
دهم در دیدن درندگان وهر که
یوز را درخواب بیند بشغلی
مشغول شود دران منفعت
بسیار رسد وهر که پلنگ را در
خواب بیند از پادشاه وملوک
انعام ونیکوی بیند وهر که
گرگ را درخواب بیند با دو
شمن حرامزاده کار افتد اگر
چه او دوست نماید لیکن در
قصد جان بود خود را نگاه باید
داشت وهر که روباه را درخواب

بیند و دشمن بدبخت پنهان و
قصد او کند و هرکه گربه را در خواب
بیند و دست ها طمع ملاقات
او شود و هرکه شیر را در خواب
بیند سفری پیش آید چنانکه از
ان سفر با سلامت باز آید در خانه
خود و هرکه سگ را در خواب
بیند و دشمن او خراب شود و
خرد مایه باشد و هرکه مار را در
خواب بیند اگر میانه و خورد بیند
مال یابد و اگر بزرگ بیند دشمن
باشد باب یازدهم در دیدن مر
غان و جانوران و هرکه باز را در
خواب بیند برفعت عظیم مرتبه
اعلی گردد و هرکه چرغ مرغان شکاری

راد در خواب

را در خواب بیند از پادشاه و
ملوک صاحب خود انعام یابد
و هرکه بوم را در خواب بیند با
دو شمن بد کاره کار افتد و
هرکه زاغ و غلیواز را در خواب
بیند با دروغ گویان کار افتد
که دلیه دروغ بیگفته باشد
و هرکه فاخته و کبوتر و طوطی
و کلنک و سرخاب و بسط
و هیچ بدین مانند بیند کارش
گشاده گردد و تندرست شود
و هرکه گنجشک و هزار دستان
در خواب بیند نیکوی باشد
باب دوازدهم در دیدن آبها

٤٨

وکشتی ها و هرکه آب روان
در خواب بیند کار او روا شود
و هرکه آب ایستاده صاف را در
خواب بیند دولت و نعمت برسد
و هرکه آب روان تیز را در خواب
بیند در هر مقام یکه بیند دران
مقام ظلم ظاهر گردد و صدقه
بدهد که فرو نشیند و هرکه کشتی
سوار در خواب بیند از غم و محنت
و خلاص شود و هرکه گوشت
پخته را در خواب بیند روزی
پخته بدست آید و هرکه گوشت
خام را در خواب بیند رزق
از غیب پیدا شود و هرکه باد
آرامیده را در خواب بیند راحت

وعیش

وعیش بود و هرکه باد سخت را در
خواب بیند تشویش بدو رسد
و هرکه برنج پخته و یا خام در خواب
بیند دولت بی قیاس بدو رسد
و هرکه ابر و باران در خواب بیند
آشتی شود و یا لشکر پدید آید
و هرکه برق و رعد را در خواب
بیند از تاریکی دل خلاص شود
و هرکه موی سر خود را در خواب
بیند و بتراشد مفارقت فرزندان
و برادران شود والله اعلم با
لصواب والسلام علی من
اتبع الهدی ایضا در تعبیر
خواب از قول حکمای هندو
ستان که نوشته شده بودند ازینجا

آنست موافق بیست نه حرف
تهجی هر چیز در خواب بیند ما
حفظ نماید که اول آن نون است
یا در خواب دیده اول آن الف
است یا دیده خربزه خورده است
همان حرف را یافته ببیند که
چه نوشته شده که بی شک ما
خواهد شد بدانکه این تعبیر
نامه مختصر است **الف** کارهای
او بالا گیرد و سرافرازی یابد
ب مال یابد کارها مراد و شو
ت کار او پریشان گردد **ث**
ظفر و قوت یابد **ج** پریشان
و بیمار گردد **ح** خبری از غیب

شنود

شنود **خ** پریشان و بیمار گردد
د مال پنهان یابد **ذ** ذلالت
برفع آمرزش دلی کند **ر**
بمال و مقصود برسد **ز** فرزند
دولت مند یابد **س** خصومت
و غم باشد **ش** مصالحه کار او
ساخته شود **ص** علم و ادب
آموزد **ض** امور آخروی
سازد **ط** بسفر رود **ظ** سعا
دت یابد **ع** بر دشمن غا
لب بود **غ** خبر خوش از غایب
رسد **ف** زیان مال بیند **ق**
از غم خلاص شود
ک کسی رنجور و ناخوش

کردد دل بندگان خوب خورد
م راحت و آسایش بیند
جز خوش شنود
ن جز از سخن خوب بوی رسد
هـ کارهای او پریشان کردد
لا عمارت بنا کندی از
دوستان خود شاد شودی
عمر طویل و صحت بدن بیند
انشاء الله تعالی ایضا
باب جهیدن اعضا بدانکه
کتاب ذوالقرنین رومی علیه
الرحمة و کلیمان فارسی یعنی
سلطان پس لقمان حکیم ...
سر جمع شدند و این کتاب را
اختیارات اصلاحات نام

کردند

کردند و جمله اکابر از این تجربه
حاصل کرده اند و چنین گویند
که هارون الرشید خلیفه بغداد
هرگز این نسخه را از خود جدا
نکردی و در صندوق در حرز با خود
داشت اگر کسی را سر بجهد در
میان خلق عزیز گردد و بلکه پا
دشاه شود اگر کسی را گرد سر
بجهد هرچه از کسی بخواهد بیا
بد در میان خلق عزیز و محترم
گردد اگر نیم سر بجهد از جانب
راست صرف کند اما بسلامت
باز آید اگر نیم سر از جانب چپ
بجهد شادی و نیکوئی بیند اگر
همه سر بیکبار بجهد بر سری شوی (?)

51

شهریاری کند اگر کسی را پیشانی
بپهد صفری کند بشفعت
بسیار مراجعت کند بخانه خویش
بسلامت باز آید اگر کسی را پیشا
نی بچهد [illegible] نیکوی
بیند اگر پلک بسوی چپ بچهد
شادی و برخورداری بیند اگر
ابروی چپ بچهد با دوشمن
ملاقات کند از خلق بی نیاز
گردد و توانگر شود اگر میان
هردو ابرو یکبار بچهد باندك
چیزی غمگین شود اگر چشم
راست بچهد مرادی که در دل
دارد بیابد اگر چشم چپ

بچهد

بچهد برای وی بسیار بسیا ر
خوب باشد اگر اندرون چشم
راست بچهد بدخوی گردد اگر
اندرون چشم چپ بچهد البته
بمراد رسد اگر دونبال چشم راست
بچهد گشادی در کار او پیدا
شود اگر دونبال چشم چپ
بچهد هر مرادی که داشته باشد
برآید اگر پلک زیر چشم راست
بچهد اندك تنگی بدو رسد
اگر پلک زیر چشم چپ بچهد
بمراد دل برسد اگر مژه چشم
راست بچهد نیکوی بیند اگر
مژه چپ بچهد اهل فراموش

٥٢

کرده باشد بیاد آورد اگر رخسا
ره راست بجهد شرمسار کردد
اگر رخساره چپ بجهد تونکر
کردد اگر استخوان بینی بجهد ع
جنک کند اگر سوراخ بینی از
جانب راست بجهد شادمان
کردد اگر از جانب چپ بجهد
مال از غیب باو رسد اگر لب
بالا بجهد باکسی خصومت
کند اگر لب زیرین بجهد دو
ستی یا غایب باز آید اگر هر دو
لب بیکبار بجهد دوستی او را یا
د کند اگر دندان بجهد از جانب
راست هر چه از خدا خاسته با
شد بیابد اگر از جانب چپ

بجهد

بجهد البته زلی کند اگر زبان
بجهد فرخاش و بهتان کوید
اگر زنخدان بجهد دوستی افزا
ید اگر کسی را کوش بجهد از جانب
راست پادشاه کردد اگر از جانب
چپ بجهد از میراث مال یابد
اگر هر دو کوش بیکبار بجهد با
کسی خصومت کند اگر کتف
راست بجهد در کاری شروع
کند که خوب باشد اگر کتف
چپ بجهد نیکی بیند اگر هر دو
بیکبار بجهد مراد یابد اگر شانه
راست بجهد غمکین شود اگر
شانه چپ بجهد خدا او را فرزند

٥٣

بدباشد اگر بازوی راست بجهد
جنگ کند با دوشمنان اگر بازوی
چپ بجهد مال یا چیزی خوب
بدست آید اگر ساعد راست ع
بجهد نیکوی پیشش آید اگر ساعد
چپ بجهد از ترس ایمن کردد اگر
هردو بیکبار بجهد منفعت بسیار
بیند اگر دست راست بجهد
باکسی دوستی کند اگر دست چپ
بجهد ار بابی یا بزرکی یابد اگر
کف دست راست بجهد چیزی
بدست افزاید اگر کف دست
چپ بجهد خشمی عظیمی یابد اگر
انکشت بروسط راست بجهد
اورا مهتری دست کیرد اگر

صفحه

صفحه بجهد دوشنام و ناسزا بشنود
اگر وسط بجهد چیزی از راه کذر
یابد اگر بستر بجهد از راه دور چیزے
باو رسد اگر کلیک بجهد غم خوردن
بود اگر انکشت نردست چپ بجهد
چیز بدو رسد اگر کلیک بجهد
نالان کردد اگر بغل چپ بجهد
شادی بدو رسد اگر بغل راست
بجهد مرد متشخص دکار او یاری
نماید اگر میان پشت بجهد از آن
کار که می کند زود شاد کردد اگر
سرون راست بجهد نعمت یابد
اگر سرون چپ بجهد شادی
وخرمی بیند اگر تهیگاه راست
بجهد شادمان کردد اگر تهیگاه

چپ بجهد روزی او شاد شود
اگر برابر دل بجهد غمناک گردد اگر
پستان راست بجهد زیردست
گردد اگر پستان چپ بجهد شب
بانده خواب کند اگر شکم بجهد
بغض وخون ناب خورد اگر ناف
بجهد نعمت بی اندازه یابد اگر ران
راست بجهد نیکوی بسیار بیند
اگر ران چپ بجهد عزیزی یا دو
ستی بدو رسد اگر هر دو ران یکبار
بجهد از مردمان شر بدو رسد
اگر بیرون راست بجهد مهتری
یابد اگر بیرون چپ بجهد البته
ان شخص را نا امیدی بدست آید

اگر

اگر اندرون ران راست بجهد از
اندوه فارغ شود اگر اندرون ران
چپ بجهد غمناک گردد اگر زانوی
راست بجهد دوشمن او هلاک
شود اگر هر دو یکبار بجهد تونگر
گردد اگر ساق پای راست بجهد
نیکوی بسیار بیند اگر ساق پای چپ
بجهد از مصلحت دوشمن شاد
گردد اگر شاه لنگ پای راست
بجهد نالان گردد اگر شاه لنگ
پای چپ بجهد بخیل گردد اگر
پاشنهٔ پای راست بجهد از غم بیرون
آید اگر پاشنهٔ پای چپ بجهد صف
سنه مذمت بسیار کشد اگر پشت

۵۵

پای راست بجهد دل او مشغول
کاری شود اگر پشت پای چپ
بجهد میانه بود در خیر و شر اگر
انگشت پای راست بجهد کسی
از سفر باز آید اگر انگشت دوم
بجهد نالان گردد اگر انگشت میانه
بجهد در غم و اندوه افتد اگر ابه
انگشت چهارم بجهد شرناک
شود اگر انگشت کوچک بجهد
هر چه طلب نماید بیابد اگر انگشت
نر پای چپ بجهد بزرگی کامکار
شود اگر انگشت دوم بجهد شادی
و خوشی بیند اگر انگشت سیم
بجهد بیمار گردد اما صحت یابد

اگر

اگر انگشت چهارم بجهد جنگ
کند اگر کلیک بجهد از همه
غمها خلاصی یابد اگر کف
پای راست بجهد غایبی برسد
اگر کف پای چپ بجهد سفری
دوری کند اما بسلامت باز آید
تمام شد والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة
علی سید الطاهرین چنین گوید
احقر عباد الله الغنی محمد باقر
ابن محمد تقی عفی الله عن جرا
ئمهما این رساله ایست در
بیان انجم از احادیث معتبره

الم اليت رسالت صلوات الله
عليهم اجمعين معلوم می شود
اسعادت و نحوست ايام ماه عرب
و ماه عجم تا از ارتكاب اشتغال
اعمال بر وجه اختصار مرقوم
می گردد تا اهل جميع از اخلاص
شيعيان كه در جميع امور محتاج
پيشوايان دين را لازم می دانند
باين رساله رجوع نموده محتاج
باختيارات علی است نخواهند
كه بر حسب شرع مذموم است
تن باشند و علی الله المتوكل و
حسبی و نعم الوكيل فصل در
اختيارات ايام ماه است علی ابن
طاووس عليه الرحمه و غير او ذكر

امام

امام محقق تا طلوع حضرت محمد المصطفی
دق صلوة الله عليهم روايت كرده
اند روز اول حضرت آدم عليه
السلام در اين روز خلق
كرديد اند و روز مباركست
از برای طلب حوائج خواستن
و صلح كردن و خريد و فروخت و بيع
حجتی و كرفتن چهارپايان و بنا
با حيوان در اين روز كم شود تا
هشت روز بدست می آيد و اگر
در اين روز بيمار شود زود شفا
يابد و فرزند كه در اين روز متولد
شود بخشنده و فراخ روزی
[illegible]
[illegible]

و برای حوایج و مطالب نزد سلا
طین و امرا بروید و سخن بگویید
که حوایج برآورده شود بتوفیق
حق تعالی و هرچه درین روز گم
شود پیدا شود و برای همه کار
خوبست خصوصاً زراعت کردن
و درخت نشانیدن و عمارت
بنا کردن و سفر کردن و فروختن
روز دویم درین روز حضرت
خود مخلوق شده است و شا
یسته است از برای زن خواستن
و خانه بنا کردن و تمسکات و قباله
جات طلب کردن و اختیار کارها
نمودن و هر که در اول این روز بیما
ر شود بیماریش سبک باشد

بخلاف

بخلاف آخر روز و فرزندی که
درین روز متولد شود نیکو
تربیت یابد و بروایت دیگر شا
یسته است برای همه کار
خصوصاً تزویج کردن و از سفر
به خانه داخل شدن و بسفر
رفتن و خرید و فروش و طلب
حوایج روز سیم روز نحس است
و آدم و حوا را درین روز از بهشت
بیرون کردند پس بهتر کار تو درین
روزی است که مشغول اصلاح
امور خانه خانه کردن و تا ممکن
باشد یا برای کاری بیرون نروی
و بپرهیز درین روز از رفتن
در نظر پادشاهان و خرید و فروش
و سائر کارها و هر بنده که درین

روز بمریزد بدست آید و هرکه
درین روز بیمار شود بمشقت
افتد و فرزند که متولد شود
روزیش فراخ و عمرش دراز
باشد و در حدیث سلیمان
وارد شده است که روز گرانست
برای هیچ کار شایسته نیست
و بروایت دیگر حضرت صادق
علیه السلام فرمود که بپرهیز
ید در این روز از جمیع اعمال
و نزد پادشاهان مروید و حا
جتی از کسی مطلبید و کار بیع
مفرمایید و تصدق بسیار بکنید
برای دفع نحوسیت آن روز و
هرکه درین روز سفر کند بیم آن

هست

هست که دزدان ده او را بز
نند **روز چهارم** نیکست
برای زراعت کردن و شکار کردن
در دریا و صحرا و زن خواستن
و عمارت بنا کردن و چهار پایان
گرفتن مکروه است در این روز
سفر کردن پس هرکه سفر کند بیم
آن هست که کشته شود یا ما
لش را ببرند یا بلای بوی او عا
رض شود در این روزها بیل
متولد شود فرزند که درین روز
متولد شود شایسته و مبارک
می باشد تا زنده است و مردم
او را دوست دوست دارند
و هرکه درین روز بگریزد یاف

تنش دو شوار باشد و پناه
بجای برد که او را بدست نتوان
آورد و هر که درین روز بیمار شود
بزودی عافیت یابد روز پنجم
روز نحسی است که درین روز
قابیل ملعون متولد شده و
درین روز برادر خود را کشت
پس هیچ کار را اختیار مکنید
و از خانه بیرون مروید و نزد پادشا
هان مروید از شهر و بنده کان و آهنی
حذر کن و هر که درین روز متولد
شود حالش نیکو باشد و در حد
یث سلیمان وارد شده است
که درین روز اختیار کاری مکن
و بنظر پادشاهان مرو روز ششم

روزیست

روزیست که شایسته است برا
ی بر آوردن حاجات و زن خوا
ستن و هر که سفر کند درین روز
در دریا یا در صحرا بر گردد بسوی
اهلش با آنچه خواهند بدست
آورد و نیکست از برای خریدن
چارپایان و هر حیوانی و بندهٔ که
درین روز گم شود بزودی پیدا
شود و هر طفلی که درین روز
متولد شود نیکو تربیت بیابد
و از آفتها بسلامت باشد و
در روایت دیگر از حضرت منقو
لست که شایسته است برای شکار
کردن و طلب معاش و هر حاجت
خواستن که در روایت سلمان
وارد شده است که خواب کردن

بن روز دیده شود بعد ازیک
روز یا دو روز ظاهر شود روز
هفتم برای همه کار شایسته است
و هر که درین روز شروع بمشق
و کتابت نماید نیکی بکمال رساند
و هر که ابتدا کند درین روز بعبا
دت یا بعروسی عاقبتش نیکو
باشد و هر طفلی که درین روز ه
متولد شود تربیتش نیکو باشد
و روزیش فراخ باشد و در حدیث
دیگر چنان است که شایسته است
برای شکار و طلب روزی و
درخت کشتن و زراعت کردن
و تخم افکندن و نزد پادشاهان
رفتن و سفر کردن روز هشتم

شایسته

شایسته است برای هر حاجتی از
خریدن و فروختن و شکار کردن
و هر که درین روز نزد پادشاهان
رود حاجتش برآورده شود و
مکروه است درین روز بدریا
نشستن و سفر خشک کردن و
بجنگ رفتن و هر طفلی که متولد
شود ولادتش شایسته باشد
باشد و هر که بگریزد برو ظفر نتوان
یافت مگر بتعب بسیار و هر که راه
گم کند درین روز راه نیابد مگر
بمشقت بسیار و هر که درین رو
ز بیمار شود تعب بسیار بکشد
در روایت دیگر که شایسته است
برای هر کاری مگر سفر کردن بدریا

وهرکه بیمار شود بزودی عافیت
یابد وبروایت سلمان رضی الله عنه
روایت کرده است که برای هر کاری
شایسته است روز نهم روزیست که
سبکیست واز اول روز تا آخر
بهار کست ونیکست برای هر کاری
که اراده نمای پس ابتدای کارها
داری بکنی وقرض بکنی وزراعت
کنی ودرخت بکار وهرکه درین
روز با دشمن جنگ کند غالب
آید وهرکه سفر کند هال اورا
روزی شود خیر بیند وهرکه
درین روز از دشمن بگریزد
نجات یابد وهرکه بیمار شود
بیمار بیمار شوم نیک شود

وهرکه

وهرکه گم شود بزودی یافت
شود وهر فرزندی که متولد
شود شایسته باشد ودر همه
حال توفیق یابد ودر روایت
دیگر آن فرزند فراخ روزی
باشد در روایت دیگر هرکه
بیمار شود عافیت یابد وبروایت
سلمان خواب که درین روز دیده
شود اثرش دران روز ظاهر
شود روز دهم حضرت نوح علی
نبینا وآله علیه السلام درین
روز متولد شود [illegible]
بسیار پرو معمر شود وفراخ
روزی باشد ونیکست برای
خریدن وفروختن وسفر

ودن و بکشتی در آن روز باز
شود و گریخته زود بدست آید
و به بند افتد و هرکه درین روز
بیمار شود سزاوار آنست که و
صیت کند و در حدیث دیگر برای
تخم کردن و زراعت نمودن و
سنف خرید نیکوست و بروا
یتی دیگر برای همه کارها خوب است
بغیر رفتن بنظر پادشاهان و هرکه
بیمار شود در این روز عافیت
یابد و بروایت سلمان خوابی که
در این روز دیده شود تا بیست
روز بظهور آید روز یازدهم
حضرت شیث ع در این روز متولد
شده است و شایسته است

برای

برای ابتداء کارها و خریدن و
فروختن و سفر کردن و باید که
احتراز نماید از رفتن بنظر پا
دشاهان و هرکه در این روز
بگریزد زود باز گردد از روی
اطاعت و هرکه بیمار شود امید
آنست که بزودی شفا یابد و هر
طفلی که متولد شود بنیکی زندگانی
نماید و لیکن نمیرد تا آنکه پریشان
شود و از پادشاهان بگریزد
و در روایت دیگر هرکه گریزد پریشان
نشود و بروایت سلمان خواب
که در این روز به بیند تا بیست
روز اثرش بظهور آید روز
دوازدهم روز شایسته است

از برای زن خواستن و دکان گشودن
و شریک شدن و بعد یا سفر کردن
و در این روز میان دو کس را صلح
نباید شد و بیماری را امید شفا دادن
است و فرزندی که متولد شود با وفا
و تربیت یابد و پریشان نشود و در
روایت دیگر برای هر حاجت خوب است
و در اول روز بنظر پادشاهان بروید
و در آخر روز مروید روز سیزدهم
روز نحسی است پرهیز داز
هر کار و حضور صاحبان علم کردن و نظر
پادشاهان و امرا رفتن و در وقت
بر سر مالیدن و سر تراشیدن
و هر که بیمار شود سخت بیاید و هر
که بجائی رود بتعب افتد و فرزند

کم متولد

کم متولد شود چندان زندگانی نکند
و در روایت سلطان بخوابی که بیند تا از
در بظهور آید روز چهاردهم
نیک است برای هر کاری و فرزندی که
متولد شود ظالم باشد و نیک است
برای طلب علم و خرید و فروش
و سفر کردن و قرض گرفتن و بعد یا
نشستن دیگر بخیر بدلالت آید و
بیمار شفا یابد انشاء الله تعالی و هر
روایت دیگر فرزندی که متولد شود عمر
دراز یابد و بطلب علم حاجت
باشد و در آخر عمر مالش فراوان گردد
و در روایت دیگر پسندیده است و
در این روز دیدن اشراف و علما
و طلب حوائج در روایت سلطان نیکو

برای امر خیر و بهرای دیدن پادشاه
ن و فرزند که بهم رسد خوش نویس
دد انا گردد و خواب که دیده شود بعد
از بیست شش روز عمل آید روز
پانزده‌ام نیکست برای همه امور
مگر قرض دادند و قرض گرفتن
و کسیکه در این روز بیمار شود
بزودی صحت یابد و کسی که بگریزد
زود بدست آید و فرزند که متولد
شود اول باشد یا در زبانش عیبی
باشد و بروایت سلمان خوابش
بعد از سه روز اثرش ظاهر شود
روز شانزده‌ام روز نحسی است
برای هیچ کار خوب نیست مگر عمارت
کردن و پا نگاه داشتن و هر که سفر کند در
این روز هلاک شود و هر که بگریزد

بزود

بزودی باز آید و هر که راه گم کند
سالم ماند و هر که بیمار شود بزودی
شفا یابد و فرزند که متولد شو
پیش از زوال دیوانه گردد و اگر بعد
از زوال متولد شود حالش
نیکو باشد و بروایت بسیار نحس
و مذموم است و هیچ حاجتی
دران مطلبید و سفر مکنید
و تصدق بسیار کنید و هر که د
راین روز بیمار شود تلف گردد
و ناتوانی در این روز متوجه
کاری نشود و بروایت سلمان
خواب بعد از سه روز اثرش
ظاهر شود روز هفدهم روز میا
نه است بیرون رفتن از رو

از منازعه کردن و قرض دادن و
قرض گرفتن پس هر که قرض بد
هد باو نرسد و هر که قرض
بگیرد پس نتواند داد و فرزند
که متولد شود حالش نیکو باشد
و در روایت دیگر روز گرانیست
دران حاجت طلب مکن و بروا
یت دیگر برای هر کار شایسته است
خصوصا تزویج و خرید و فروش
و زراعت و عمارت و رفتن بنظر
سلاطین و اول اقوا است
و در روایت دیگر واقع شده
که حجامت در بعضی هم ماه مو
جب شفا است روز پنجم
روز مبارکیست و برای هر کار

نیکست

نیکست از خرید و فروش و زرا
عت و سفر و تزویج و طلب حوا
یج و کسی که با دشمن خصمی کند
بر و غالب آید و بیمار شفا یابد
و فرزند که متولد شود نیکو باشد
روز پانزدهم روز مبارکیست
و دران روز حضرت اسحق علیه السلام متولد
شده است و شایسته برای طلب
سفر و طلب حوایج و روزی
و سعی در کارها و آموختن علم
بران بند و جهاد با حرب و کم شده
و گریخته بعد از پانزده روز
برگردد و فرزندیکه متولد شود
دراین روز توفیق خیرات بیابد
و با برکت باشد و بروایت دیگر

٤٤

اگر با کسی خصمی کند بر وظفر یابد
بقدرت حق تعالی و برای اکثر کار
شایسته است روز بستم میانه است
و نکواست برای سفر کردن و
بر آوردن حاجت ها و بنا کردن
بناها و آریست کردن درختان
و گرفتن چهارپایان و کسی که بیمار
شود بیماریش صعب گردد
و فرزند که بوجود آید با مشقت
زندگانی کند و بروایت دیگر
نیکست و برای هر کار خوبست
خصوصا سفر و طلب حوایج
و عمارت و تزویج و درخت
کشتن و نزد پادشاهان رفتن
روز بیست یکم روز نحس

بسیار

بسیار بد است و روز ریختن و
خونها ست پس درین روز
حواجتی طلب مکن و با کسی منا
زعه مکن و بپرهیز دران روز
از پادشاهان و کسی که سفر کند
خوف هلاک بران هست و فرز
ند که بهم رسد فقیر و پریشان
باشد بد و روایت دیگر روز
نحسی است و همین کشتن حیوا
نات نیکست روز بیست دویم
شایسته است برای بر آوردن
حاجتها و بیع و شری و رفتن
بنزد پادشاهان و تصدق دران
روز مقبول است و ثوابش
مضاعف است و بیمار بزودی

شفا یابد و مسافر بعافیت بر
گردد و بروایت دیگر روز نیکست
و بروایت دیگر هر فرزند که در
این روز متولد شود مبارک
و محبوب باشد و هر که نزد پادشا
هان رود بمطلب رسد و خو
شنود برگردد **روز بیست سیم**
در این روز حضرت یوسف عم
متولد شده است نیکست
برای هر کار خصوصا طلب حوایج
و تجارت و زن خاستن و نزد سلا
طین رفتن و کسی که در این روز
سفر کند غنیمت یابد و خیر بسیار
بیند و فرزند که متولد شود نیکو
تربیت یابد و مبارک و شایسته
باشد **روز بیست چهارم** روز

نحس بسیار بد است و فرعون
در این روز بوجود آمده است
پس هیچ کار در این روز اراده
مکن فرزند که متولد شود روز
کار بسختی گذراند و توفیق
خیر نیابد و در آخر عمر کشته
شود یا غرق شود و هر که در این
روز بیمار شود بیماریش بطول
انجامد و بروایت دیگر هر که سفر
کند در ان سفر بمیرد **روز بیست**
پنجم روز نحسی است پس خود
را در این روز حفظ کن و پای
کار مرو که در این روز حق تعالی
اهل مصر را با فرعون بآیات عذاب
خود مبتلا گردانید و بیماری حالش
بد باشد و هر که در این روز سفر

کند خطر باید کرد و فرزند که متولد
شود مبارک و فراخ روزی و نیکو
کار بباشد اما ببلای سختی مبتلا
میشود و آخر نجات بیابد و در روا
یت دیگر هر که در این روز بیمار شود
تا آخر روز بهوش نیاید و بروایت
سلمان از شر این روز بخدا پناه برید
و بهمانی و اعمال خیر روز بیست ششم
شایسته است برای سفر و هر امری که
اراده کنی مکر زن خواستن که هر که
در این روز تزویج نماید میان او
و زوجه اش جدائی افتد زیرا که
در این روز دریا شکافته شد
برای حضرت موسی علیه السلام و
اگر از سفر بر گردی در این روز
داخل خانه مشو و بماند در این

روز

روز حالش بد باشد و فرزند که
بوجود آید عمر ش دراز باشد و بر
وایت دیگر هر که مسافر شود در این
روز سودی نبیند و شاید بر نگردد
و تصدق بسیار بکنید در این روز
که فواید بسیار است روز بیست
هفتم برای همه کار نیکست و فرزند
که متولد شود در ان روز خوش
خوی و خوش رو و دراز عمر و با
خیر فراوان و محبوب مردمان
باشد و بروایت دیگر برای
سفر کردن نیکست و بروایت
دیگر برای زراعت و عمارت
و خرید و فروش و رفتن بمجلس
پادشاهان و سعی در حوایج
نیکست روز بیست هشتم

69

شود روز دوم محبت باید و دراین
روز روزه صحبت نامه نویسد و بر
ولایت دیگر برای علم کسب خوبست
مکر برای کاتبان که باید متوجه کار
شود و خصوصا سفر و کار جنگ [illegible] این
این روز نیکو بود و کم شود این
روز نیز روز بد نیست آید و بروایت
دیگر قتال سهم است برای کار
خصوصا ملاقات پادشاهان و دیگر
برادران و دوستان و بروایت
سلطان خواب و در این روز ارتش
در همین روز ظاهر شود روز هفتم
نیکوست برای خرید و فروختن
و تزویج نمودن و فرزند به دبستان
روز نیکو بود و ایمن بود بار و مبارک
در است کو دن و فاداد و عاقبتا
و جلیل القدر باشد و بمرگ بمیرد

روز نیکوست برای همه کارها خصوصا
سفر کردن و در این روز حضرت
یعقوب به علم مشغول شده است
پس فرزندان کرد در آن روز متولد
شود روزی فراوان بیابد و
محبوب مردم باشد و احسان
کنند با علم باشد و لیکن [illegible]
عظیم عیب بر سد و در آخر عمر
با بضعف چشم مبتلا گردد و در
ولایت سلمان خواب در رها ن
روز اول فتن ظاهر گردد روز نهم
نحس برای کارها خوب نیست و فرز
ندی که در این روز متولد شود
[illegible] باشد و [illegible]
[illegible]

شود

٧٠

بدست آید و هر که چیزی کم کند بیابد
و هر که مال قرض کند بزودی باز دهد
و بروایت دیگر روزیست که حضرت
اسمعیل پسر ابراهیم علیهما السلام
در این روز متولد شده است و
برای هر کار نیکست خصوصا در
خت نشانیدن و زراعت و عمارت
کردن و حضرت امام موسی کاظم ع
منقولست که ترک مکن حجامت را
در هفتم حزیران دوی و اگر نکنی
در چهاردهم البته بکن **فصل در اختیا**
رات ایام هفته است **روز جمعه**
مبارک ترین روزها است و بهترین
عیدها ست و سنت است در ان
روز بحمام رفتن و سر تراشیدن
و ناخون و شارب گرفتن و پیش از زوال
بجهة نماز سفر کردن خوب نیست

وبعد

و بعد از نماز خوب است و مبارکست
و حجامت در بعضی احادیث واقع
شده است که حجامت نباید کرد زیرا
که در ان روز ساعتی هست که اگر
حجامت واقع شود هلاک میشود
و در روایت نهی واقع شده از
حجامت در وقت زوال و در چند
حدیث دیگر واقع شده که قصور
ندارد و در حدیث معتبر از حضرت
موسی ابن جعفر ع منقولست
که حضرت رسول صلعم چون هوا
سرد میشد و از بیرون باندرون
خانه نقل میکردند در روز جمعه
نقل میکردند و در حدیث دیگر
انکه در وقتی که هوا گرم میشد
باز در روز جمعه نقل مینمودند

71

و در بعضی روایات وارد شده
است که نوره کشیدن در روز
جمعه مورث پیسی است و موی
سر و ریش را شانه کردن و بوی
خوش کردن و جامه نو و پاکیزه پو
شیدن و میوه تازه بخانه آوردن
و سر را بخطمی شستن و برای سایر
کارها مبارکست روز شنبه روز
مبارکیست و حضرت رسول صلعم فرمود
که مبارک گردانیده است برای امت
من در بامداد روز شنبه و پنجشنبه
و برای جمیع کارها خوبست خصوصا
سفر کردن که در حدیث معتبره
وارد شده که اگر سنگی از کوه جدا
شود در روز شنبه البته حق تعالی از

انجای

انجای خود بر میگرداند و ناخون
و شارب گرفتن نیز خوبست و در حد
یث وارد شده که هر که ناخون و شا
رب در روز شنبه و پنجشنبه بگیرد
از درد دندان و درد چشم عافیت
یابد و در روایت وارد شده که
حجامت کردن در روز شنبه مورث
ضعف است روز یکشنبه میانه
است برای اکثر کارها و موافق
حدیث معتبر حجامت کردن در
طرف عصر روز یکشنبه بسیار
نافع است و در حدیث دیگر وارد
است که برای عمارت بنا کردن
و عروسی کردن خوبست روز دوشنبه
نحس ترین روزهاست و در ایام
سال روز عاشورا از همه روز نحس

تر است و در ایام هفته روز دوشنبه
و این دو روز منسوب است به بنی
امیة اند که ایشان عید کرده اند در
اینها بسبب شهادت حضرت امام
حسین عم و در این روز حضرت
رسول خدا صلعم از دنیا مفارقت
نمود و برای هیچ کار مبارک نیست
و در بعضی از روایات وارد شده که
خوب است در طرف عصر حجامت
کردن و در بعضی روایات مطلق
وارد شده است که خوب است
و در احادیث بسیار نهی واقع شده
است از سفر کردن در این روز و
پی سعی و حاجت رفتن و در حدیث
معتبر از حضرت امام علی نقی صلوات
الله علیه منقولست که هر که خواهد

خدا

خدا او را از شر روز دوشنبه نگاه
دارد دو رکعت اول نماز صبح دوشنبه
سورهٔ هل اتی علی الانسان بخواند
روز سه شنبه میانه است برای
اکثر کارها و در حدیث وارد شده
است که سفر کن در روز سه شنبه
که در این روز خدا تعالی آهن را
برای حضرت داود عم نرم کرد و در ر
وایت دیگر از حضرت رسول خدا
صلعم منقولست که هر که در روز سه
شنبه چهاردهم یا هفدهم یا بیست
و یکم ماه حجامت کند شفا باشد او
را از دردهای سال و در روایت د
یگر وارد شده است که در روز سه
شنبه ساعتی هست که اگر حجامت
در آن روز اتفاق افتد خون نمی

است تا او را هلاک کند و در
حدیث معتبر وارد است
که هر که را حاجتی باشد و دشوار شود
آنرا طلب نماید در روز سه شنبه
و در روایت دیگر وارد است که روز
جنگ است و خون گرفتن روز
چهارشنبه روز نحسی است و برای
اکثر کار خوب نیست و نهی واقع
شده است از حجامت کردن و نوره
کشیدن و سفر کردن در روز چهار
شنبه و در بعضی روایات تجویز
و سفر وارد شده است و اگر حجامت
ضرور شود بهتر آنست که در آخر
روز واقع شود است و در حد
یث نهی واقع شده از حجامت
در روز چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب
باشد و در روایت معتبری وارد

شده

شده است که بحمام برود در روز
چهارشنبه و در حدیث دیگر وارد شده
است که روز خوردن مسهل دوست
روز پنجشنبه روز مبارکیست برای
جمیع کارها خوبست خصوصا حجا
مت کردن موافق احادیث بسیار و
بهتر آنست که پیش از زوال واقع
شود و برای ناخن گرفتن خوبست
و بهتر آنست که یک ناخون را برای
روز جمعه بگذارد و در روایتی وارد
شده است که حضرت رسول ص چون
ملوا کرم میشد بیرون نقل میفرمودند
در روز پنجشنبه میکردند و در حدیث
وارد است که هر که در پنجشنبه آخر ماه
در اول روز حجامت کند درد را از بد
نش میکشد و در روایت دیگر وارد
شده است که روز پنجشنبه داخل شدن

دیبا اوردن حاجت هاست و بدیکه
سفر کردن و تزویج دو قمر در عقرب
کراهتی دارد و روزهای که در ماه
مذکور شده که نحوست دارد اگر
ماه فارسی قدیم باشد از آن رعایت
نمایند بهتر است زیرا که ظاهر
بعضی احادیث دلالت بران
دارد و اگر روز ماه و روزهای
هفته در سعادت و نحوست با
یکدیگر معارض شوند و ظهور
باشد اختیار کردند و رعایت
نمودن نیکی و بدی ایام هفته او
لی است زیرا که احادیث انها
معتبر تر است والله یعلم

دفع در بیان امری چند که نحوست
ایام و ساعات میشود بدانکه تو

کل

کل و تفویض و اعتماد بر جناب
مقدس الهی نمودن در جمیع امور
استمداد از حضرت ائمه معصومین
ع نمودن هر نحوستی را بسعادت
مبدل میگرداند و توسل بایات
کریمه قرآن و دعا و تصدق تدارک
هر یک از آنها میکند چنانچه در
حدیث معتبر وارد شده است
که آیة الکرسی بخواند و هر روز که
خواهی سفر کن و در احادیث
بسیار وارد شده است که تصدق
و دعا رد میکند بلاهای مبرم را و
در حدیث معتبر منقولست
از سهل ابن یعقوب که بخدمت
امام علی النقی علیه السلام رفتم و
حدیث که از حضرت امام جعفر صا
دق علیه السلام منقولست در باب

اختیارات روزها بران حضرت عرض
کردم وتصحیح نمودم پس گفتم که در
اکثر چیزهای چند هست که مانع
رفتن بطلب حوایج است وبسیار
است که مارا ضرر میشود در این
روزها حرکت کردن ومتوجه مطا
لب شدن حضرت فرمودکه یا سهل
ولایت محبت ما اهل بیت نگاه دا
رنده وحافظ شیعیان است از
جمیع بلاها اگر با ولایت ما بجه دریا
ها وصحراها وبیابانها در میان حیوا
نات درنده یا دشمنان جن وانس
بروند هرآینه ایمن اند از شر ایشان
به برکت ولایت ما پس اعتماد کن
برخدا وخالص گردان ولایت
خود را از برای ما وبهر جانب
که خواهی متوجه شود چون ع

صبح

صبح کنی سه مرتبه این دعا بخوان
هذا دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم معتصماً بذمامك
المنیع الذی لا یطاول ولا
یحاول من کل طارق وغاشم
من سائر ما خلقت وما خلقت
من خلقك الصامت والناطق
فی جنة بلباس سابغة ولاء
اهل بیت نبیك محتجزاً من
کل قاصد لی الی اذیة بجدار

حصّنی الاخلاص فی الاعتزا
فی حقوقهم والتمسّک بحبلهم
جمیعاً موقناً انّ الحقّ لهم
ومعهم وفیهم وانی من
والوا واجانب من جانبوا
فاعذنی فصلّ علی محمّد وآله
وعذنی اللّهمّ بهم من شرّ
کلّ ما اتّقیه یا عظیم وحرزت
الاعادی عنّی ببدیع السّموات
والارض انّا جعلنا من بین ایدیـ

بهم

یهم سدّا ومن خلفهم سدّا
فاغشیناهم فهم لا یبصرون
ایضا ودر شام نیز سه مرتبه بخواند
پس در امان خدای بود از هرچه
حذر مینماید از ان در قلعهء
حفظ وحمایت الهی خواهی بود
از هرچه از ان می ترسی واگر در روز
نفسی خواهی که بی کاف بروی پیش
از متوجه شدن سورهء حمد وقل
اعوذ برب النّاس وقل اعوذ برب
الفلق وآیة الکرسی وانّا انزلناه فی
لیلة القدر بخواند واین ایات
را از سورهء ال عمران بخواند
انّ فی خلق السّموات والارض

واختلاف الليل والنهار لآيات
لأولي الألباب الذين يذكرون
الله قياما وقعودا وعلى جنو
بهم ويتفكرون في خلق السموا
ت والأرض ربنا ما خلقت هذا
باطلا سبحانك فقنا عذاب النار
ربنا إنك من تدخل النار فقد
أخزيته وما للظالمين من
أنصار ربنا إننا سمعنا مناديا
ينادي للإيمان أن آمنوا بربكم
فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر
عنا سيئاتنا وتوفنا مع الأبرار

ربنا

ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك
ولا تخزنا يوم القيامة إنك لا تخلف
الميعاد پس اين دعا خواند اللهم
بك يصول الصائل وبقدر
تك يطول الطائل ولا حول
لكل ذي حول إلا بك ولا قوة
يمتازها ذو قوة إلا منك بصفو
تك من بريتك محمد نبيك و
عترته وسلالته عليه وعليهم
السلام صل عليه وعليهم واكفني شر
هذا اليوم وضره وارزقني
خيره ويمنه واقض لي في

مستمرًا في جنن العافية وبلوغ
المحبة والظفر بالأمنية ووقا
ية الطاغية القوية وكل ذي
قدرة لي أذية حتى أكون في جنة
وعصمة من كل بلاء ونقمة وابد
لني من المخاوف فيه أمنا ومن
العوائق فيه يسرا حتى لا
يصدني صاد عن المراد ولا
يحل بي طارق من أذى العباد
إنك على كل شيء قدير والأمور
إليك تصير يا من ليس كمثله شيء
وهو السميع البصير از حضرت

امام

امام محمد جواد ع منقولست
که چون ماه نو در آید در روز اول
دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول
حمد سی نوبت سوره قل هو الله
احد بخواند و در رکعت دوم بعد
از حمد سی مرتبه سوره انا انزلناه
بخواند پس تصدق بکند و سلامتی
تمام ماه را از خداوند خود بگیرد
تمت تمام شد

در بیان نحوست هفته
سوی مشرق دوشنبه شنبه
نرود ای برادر من به
سوی مغرب آدینه و یکشنبه
روز سه شنبه است و آدینه
روز سه شنبه و چهارشنبه سوی شمال
روز پنجشنبه نرود سوی جنوب ای برادر من
روز یکشنبه از ... مطلوب

79

در بیان ایام نحوست ماه
هفت روز نحس باشد در مهی
زو حذر کن تا نیابی هیچ رنج
سیم و پنج و سیزده با شانزده
بیست و یک با بیست و چهار و بیست و پنج
سیوم ماه حضرت آدم را از
بهشت بیرون کردند پنجم ماه
قابیل هابیل را بکشت
سیزدهم ماه در جنگ احد دندان
مبارک حضرت رسالت پناه شکست
شانزدهم ماه نمرود لعین
حضرت ابراهیم را در آتش انداخت
بیست و یکم ماه طوفان نوح
و بیست و چهارم ... و حضرت
و بیست و پنجم حضرت امیر المؤمنین
علی ابن ابی طالب ع

رحلت فرمود بیست و چهارم ... ماه
و ... کشید بیست و پنجم ماه
حضرت یونس در شکم ماهی افتاد
هر وقت از حضرت امیر المؤمنین ع
که در هر ماه دو روز نحس است چنانکه اگر
فرزندی متولد شود ... و اگر درخت
نشاند خشک شود و اگر کسی بجنگ
رود کشته شود و هر کاری که شروع کنند
با تمام نرسد و اول ... در ... ماه
محرم ... و یازدهم صفر اول ...
ربیع الاول دهم و بیستم ربیع الثانی اول ...
جمادی الاول دهم و یازدهم جمادی الثانی ...
رجب یازدهم و سیزدهم شعبان ...
رمضان ... شوال ...
ذی قعده دوم و ... ذی حجه ...
در بیان ... روز ... اختیارات

نظم کردم که کو کب یلدوز بر فلک سیر میکند هر روز
اول همه رود بمشرق راست که نباشد درین سخن کم و کاست
دویم همه بکوشه کاه رود روی کردن باو نه راه بود
سیم همه رود بسوی جنوب چهارم همه بکوشه جنوب
پنجم همه رود بقبله راست ششم همه بکوشه‌ها هشت است
هفتم همه رود بسوی شمال هشتم همه بکوشه درهم حال
نهم همه رود بزیر زمین دهم همه رود بچرخ برین
این چنین میرود بهر ده روز گرد بر گرد کرده فیروز

فصل چهارم

در آداب خواب کردن باید دانست که
در چه محل خواب باید کرد و در چه محل جایز
نبود خواب کردن از صبح تا طلوع افتاب
میشوم است که حضرت صادق ع فرموده
اند که ازین محل خواب کردن باز میگرداند
رزق را و زرد میکرداند رنگ روی را و قبیح

وبدخو

وبدخو میکرداند این خواب میشو
مانست و از طلوع صبح تا طلوع افتاب
قسمت میکنند رزق را اگر کسی
خواب باشد از رزق محروم ماند و بدا
نکه این ادعیه را که در محل خواب کردن
و بیداری باید خواند بدانکه چون
اراده خواب کردن کنی باید که در خانه
خالی خواب نکنی که مکروهست و بی
وضو در جامه خواب نروی که اگر فرا
موش کنی و بروی در جامه خواب تیمم کن
تا خوابگاه بر تو مسجد گردد و باید
توبه کنی از جمیع مناهی و معاصی و استغفار
بگو و صد بار که روایت کرد ابی عبد
الله ع هر که در محل خواب کردن بگوید
صد بار استغفر الله بریزد گناهان
از وی همچون برگ که از درخت ریزد

در محل حزیف وچون صبح شود اورا
گناهی نباشد وبخود قرار دهی که محتمل
است که درخواب حق تعالی امر کرده
قبض روح من نمایند ووصیت
نامهٔ نوشته در زیر سر بگذاری که بعد
از تو بان عمل نمایند ورفاهیت حال
احزت تو باشد وچون خواهی که بخواب
گاه روی بگو اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ
اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِكَلِمَاتِ
اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ
بِجَمَالِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللّٰهِ
وَاَعُوذُ بِجَبَرُوتِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِمَلَكُو
تِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِدَفْعِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ
بِجَمْعِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِمُلْكِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ
بِوَجْهِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ

برسول

بِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَ
عُوذُ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
وَذَرَاَ وَبَرَاَ مِنْ شَرِّ الْهَامَّةِ وَالسَّا
مَّةِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ
الْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ فِي اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ وَاَنْتَ رَبِّي اٰخِذٌ بِنَا
صِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ مُسْ
تَقِيمٍ وبعد بخوانید سه بار
سورهٔ اخلاص را که همچنان باشد
که جمیع کتب سماوی را ختم کرده باشی
وبعد سه بار سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ تا

٨٢

تا ثواب حج و عمره مقبول باشد
وبگو سه بار اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ
وَالْمُرْسَلِينَ تا جميع پیغمبران را
شفیع آورده باشی وبگو سه بار
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْأَحْيَاءِ
مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ تا ارواح جمیع
مؤمنین را از خود شاد کرده باشی
وبگوی سه بار سُبْحَانَ الْمُقْتَدِرِ
لِمَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ فَعَّالٌ لِمَا يَشَاءُ
بِقُوَّتِهِ تا ذمه تو از جمیع معاصی

ومثالی

ومثالی بری شود ثواب هزار رکعت
نماز داشته باشی ایضا واگر از جن
وانس واهمه داشته باشی بگوی
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ
وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَإِلَى اللّٰهِ
وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ واگر از هوام
وغیره ترسی داشته باشی بگوی
أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الَّتِي
لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ
وَمِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ
وَمِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ
وَالْعَامَّةِ وَاللَّامَّةِ وَمِنْ شَرِّ
طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

از جن وانس مخوف بودن

وسیبت از هوام

و من شرّ فسّاق العرب و العجم
و من شرّ فسقة الجنّ و الانس
و من شرّ الشیطان و شرکه
و من شرّ کلّ ذی شرّ و من
شرّ کلّ دابّة انت آخذ
بناصیتها انّ ربّی علی
صراط مستقیم **روایت دیگر**
اعیذ نفسی و دینی و اهلی
و مالی بکلمات الله التامّات
من شرّ کلّ شیطان و هامّة
و من شرّ کلّ عین لامّة **دیگر**
امام جعفر صادق ع فرموده
اگر کسی [illegible] نگاه داشتن و

خواننده

ایمن بودن از سباع و عقرب

خواننده این دعا را از شرّ سباع
و عقرب و گزندگی تا طلوع صبح
و از زخم عقرب [illegible] **بگوید** سلامٌ
علی نوح فی العالمین انّا کذلک
نجزی المحسنین انّه من عبادنا
المؤمنین و خشعت الاصوات
للرحمن فلا تسمع الّا
همسا و عنت الوجوه للحیّ القیّوم
و قد خاب من حمل ظلما **ایضا**
مرویست از اسحق بن عمّار که
از حضرت امام جعفر صادق
ع سؤال کردم که از شرّ عقرب
در خواب ترسم آن حضرت
فرمود که در محلّ خواب نظر کن

ترسیدن از عقرب

در بنات النعش سه ستاره است
و در جنب او ستارهٔ کوچکی هست
که عرب آنرا سها گویند و ما او را
اسلم گوییم و بگوی سه بار اللّهمّ
ربّ اسلم صلّ علی محمّد وآل محمّد
وعجّل فرجهم وسلّمنا او گفت
که هر شب که بگفتم سالم بودم
مگر یکشب که فراموش کردم واز
آن آزار یافتم وچون بخوابگاه
شوی وکلمهٔ شهادتین بگوی
تسبیح زهرا علیها بخوان وفاتحة الکتاب
واخلاص وقل یا ایها الکافرون
را هر یک سه بار و بکف دست خود
بدم و هر بار بر جمیع اعضای خود
بمال از پیش روی و پس سر و دست

راست

راست و دست چپ و بخوان آیه
اوّل سورهٔ البقره را با هم المفلحون
و بگوی لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم وآیة الکرسی و
آیة شهد الله وآیه سخره که انّ
ربّکم الله الذی خلق السّموات
والارض فی ستّة ایّام ثمّ استوی
علی العرش یغشی اللّیل النّهار
یطلبه حثیثا والشّمس والقمر
والنّجوم مسخّرات بامره الا له
الخلق والامر تبارک الله ربّ
العالمین ادعوا ربّکم تضرّعا
وخفیة انّه لا یحبّ المعتدین
ولا تفسدوا فی الارض بعد
اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا

۸۵

إن رحمت الله قريب من المحسنين
وآية عرش لقد جاءكم رسول
من أنفسكم عزيز عليه ما عنتم
حريص عليكم بالمؤمنين رؤف
رحيم فإن تولوا فقل حسبي الله
لا إله إلا هو عليه توكلت و
هو رب العرش العظيم
وايضا و سورهٔ قدر و صلوات
بر نبی و آل او هر یک یازده بار دیگر
لا إله إلا الله وحده لا شريك
له له الملك وله الحمد يحيي و
يميت وهو حي لا يموت بيده
الخير وهو على كل شيء قدير

دیگر

دیگر الحمد لله الذي علا فقهر
والحمد لله الذي بطن فخبر و
الحمد لله الذي يحيي الموتى و
يميت الأحياء وهو على كل شيء
قدير يفعل الله ما يشاء بقدر
ته يحكم ما يريد بعزته تا خود
را در جریدهٔ ذاکران در آورده
باشی و از گناه بیرون آمده باشی
مثل فرزندی که از مادر متولد
باشد و انواع ثواب ترا حاصل شده
باشد و چون خواهی که بخوابی روی
بقبله بدست راست بخواب
مثل مرده که در لحد خوابانید
و چون پهلوی بر زمین نهی

خواب کردن

سوره الحمد بخوان و دست راست
را در زیر روی نهاده بگوی بِسْمِ
اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى
مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي
وَبِكَ أَرْفَعُهُ إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي
فَارْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا
بِمَا تَحْفَظُ بِهِ الصَّالِحِينَ اَللّٰهُمَّ
بِاسْمِكَ أَحْيَى وَبِاسْمِكَ أَمُوتُ
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ
وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ
أَمْرِي إِلَيْكَ وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي

إليك

از احتلام ترسیدن

إِلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ
لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ
آمَنْتُ بِكُلِّ كِتَابِكَ وَرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ
با نفس و مال تو در امان حق تعالی
باشد و بخوان سوره الهکم جهت
ایمن بودن از قبر و اگر از احتلام
ترسی بگوی اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
بِكَ مِنَ الِاحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ
الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ
الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ
و اگر ترسی که پیش از طلوع صبح
بیدار نشوی جهت گذاردن نافله
شب و بگوی اَللّٰهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ

جهت نافله شب ترسی که پیش از صبح بیدار نشوی

دیدن بیت دوخواب

ولا تؤمني مكرك ولا تجعلني
من الغافلين و انجح لي الاجابة
الساعة في الليلة ادعوك فيها
فتستجيب لي و اسئلك فتعطيني
و استغفرك فتغفر لي انه لا
يغفر الذنوب الا انت يا ارحم الراحمين
ازحق و آرزوهای خود در خواب
ببینی **بخوانی** اللهم انت الحي
الذي لا تموت والاحياء يموتون
بنعمتك بدئت الاشياء واليك
تعود فبدأتها كنت مفتاحه
و كنت مباديها و نهايتها لم يكن
لك مثل ولا شبيه و لا ولد ولك

واسئلك

وأسئلك بآلائك الا انت و اسئلك
بسم الله الرحمن الرحيم و بحق حبيبك
محمد صلى الله عليه و سلم و بحق علي
خير الوصيين و بحق فاطمة سيدة
النساء العالمين و بحق الحسن و
الحسين اللذين جعلتهما سيدي
شباب اهل الجنة عليهم اجمعين
السلام ان تصلي على محمد و ال
محمد و ان ترزقني مسئلتي في الحال
هر چه خواهد و آرزوهای که [illegible]
درخواب ببیند مقصد [illegible] **بباید**
در خواب [illegible] [illegible]

خواب دیدن نبی ازانعم

طلب رزق کردن

الخاطمة المصطفی اوالمرتضی و
ابناهما والفاطمة البته در خواب
نه بینی یکی از ائمه را و اگر خواهی که
طلب رزق روزی آینده کنی در
محل خوابیدن بگوی اللهم انت
الاول فلاه شيء قبلك وانت
الآخر فلاه شيء بعدك انت
الظاهر فلاه شيء فوقك وانت
الباطن فلاه شيء دونك اللهم
رب السموات السبع ورب الار
ضين السبع ورب التورية
والانجيل والزبور والفرقان
الحكيم اعوذ بك من شر كل دابة

انت

انت آخذ بناصیتها انک علی صراط
مستقیم و چون آواز خروس بشنوی بگوی
سبوح قدوس ربنا ورب الملائكة
والروح سبقت رحمتك غضبك
سبحانك لا اله الا انت عملت سوء
وظلمت نفسي فاغفر لي انه لا يغفر
الذنوب الا انت فتب علي انك
انت التواب الرحيم الحمد لله الذي
آیاتنی فی عروقی فی ساکنة ورد
الی مولای نفسی بعد موتها
ولم تمتها فی منامها و بیست که
چون حضرت صادق ع در آخر شب
بر خواستی و آواز برداشتی چنانچه

شنیدن آواز خروس

اهل ان منزل شنید نسف وكفى
اللهم اني اعني على هول المطا
المطالع ووسع على المضجع و
ارزقني خير ما قبل الموت وار
زقني خير ما بعد الموت الحمد
لله رب العالمين واله اجمعين
الحمد لله الذي يحيي الموتى ويبعث
من في القبور يا نور النور يا مدبر
الامور يا من يلي التدبير ويمضي
المقادير احسن مقاديري
في يومي هذا الى السلامة
والعافية وچون نظر در آسمان
كني بگوي اللهم انه لا يواري منك

منك ليل ساج ولا سماء ذات
ابراج ولا ارض ذات مهاد
ولا ظلمات بعضها فوق
بعض ولا بحر لجي ويدلج
بين يدي المدلج ومن خلقك
يدلج والرحمة على من تشاء و
من خلقك تعلم خائنة الا
عين وما تخفي الصدور غارت
النجوم ونامت العيون و
انت الحي القيوم لا تأخذه
سنة ولا نوم سبحان الله
رب العالمين وآله المرسلين

ودرب العالمين وهذان آيه
ان في خلق السموات والارض
واختلاف الليل والنهار لايا
ت لاولي الالباب الذين يذكر
ون الله قياما وقعودا وعلى
جنوبهم ويتفكرون في خلق
السموات والارض ربنا
ما خلقت هذا باطلا سبحانك
فقنا عذاب النار ربنا انك
من تدخل النار فقد اخز
يته وما للظالمين من انصار
ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي
للايمان ان امنوا بربكم فا

منا

منا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و
كفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الا
برار ربنا واتنا ما وعدتنا على ر
سلك ولا تخزنا يوم القيمة
انك لا تخلف الميعاد و
يا نور النور يا مدبر الا
مور يا يلي التدبير ويمضي
المقادير امض ما دبرتي
في يومي هذا الى السلامة
والعافية ايضا هر وبيست
كه از حضرت امير المؤمنين ع كه
هركه هر صبح وشام بگويد بسيار
سبحان الله ملاء الميزان

جهة طول عمر ٢١

ومنتهى العلم ومبلغ الرضا
وزنة العرش وسعة الكرسي و
سبحي فالحمد لله ملاء الميزان
ومنتهى العلم ومبلغ الرضا
وزنة العرش وسعة الكرسي و
سبحي ولا اله الا الله ملاء
الميزان ومنتهى العلم ومبلغ
الرضا وزنة العرش وسعة
الكرسي حق تعالى اوزره عظيم
كرامت ويره وانلره عطا
ت ايمك يا شد بد دو دشمنان فا
بن كورود ويبت ازحم ...
صلى الله عليه وسلم بعد ... ان
دعا ... يعنى ...

نشو

نشو دو بعضی اکم کرفتار اکر دواکر
بعد ازنماز جمعه بازده بار اوقونه
مراد ... الله سبحانه تب
شفا ويره دعاء يونس يا من اظهر
الجميل وستر القبيح يا من لا
يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك
الستر يا عظيم العفو يا حسن
التجاوز يا واسع المغفرة يا با
سط اليدين بالرحمة يا صاحب
كل نجوى ومنتهى كل شكوى يا
كريم الصفح يا عظيم المن يا
مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها
يا ربنا ويا سيدنا ويا مولانا

٩٧

دعای عافیت

ویا غایة رغبتنا اسئلك یا
الله ان لا تشوه خلقی بالنار
ایضا مرویست که هرکه صبح و
شام بگوید سه بار و در عقب
هر نماز یکبار اللهم انی اصبحت
منك فی نعمة فتمم علی نعمتك
وعافیتك وسترك فی الدنیا
والآخرة بفضلك ورحمتك
یا ارحم الراحمین حق تعالی
او را عافیت دهد و از گناه
صغیر او را تجاوز فرماید و هرکه
بگوید سه بار هر بامداد و شبانگاه
سبحان الله حین تمسون

وحین

وحین تصبحون وله الحمد
فی السموات والارض وعشیا
وحین تظهرون حق تعالی
او را دران شب و روز از جمیع
بلیات محفوظ دارد و هرکه بعد
از نماز بامداد هفتاد بار بگوید
سبحان الله والحمد لله ولا
اله الا الله والله اکبر یا غیا
ث المستغیثین اغثنی حق
تعالی او را نگاه دارد از شر دشمنان
و شیطان و برانگیزد از جهة
او هفتاد فرشته تا از شری که
از آسمان نازل شود و از ز
مین بیرون آید او را نگاه دارند

از جمله او بنا کند در بهشت هزار
کوشک و از حضرت رسول صلعم مرو
یست که هر که در هر صبح و شام
بکوید اللّهم انک قلت وقو
لک الحق وانا له لحافظون
یا من نزل وحفظه احفظنی
یا من نزل الذکر وحفظه
احفظنی وما ملکتنی وانعمت
به علی من امور دنیای وآخرتی
بما حفظت به الذکر علی قلب
نبیک محمد صلعم حق تعالی او
را از جمیع بلیات محفوظ دارد
واکر دشمن بتو ملاقات کند

که از

که از و مخوف باشی نیز بخوان
از شر او ایمن کردی و بتو ضرر
نتواند رساند و هر که بکوید سبحان
المقدس لما یشاء وبقدرته
فعال لما یرید بقوته حق تعالی
او را از جمیع بلیات و شر شیطان
محفوظ دارد و هم ولیست در کتاب
فضل العقیق که هر که بعد از تمام
نماز صبح وقبل از برخواستن
از مصلی نکین انکشتری که عقیق
باشد بر کف دست کند و در ان
نظر کرده بخواند سوره قدر و
بکوید آمنت بالله وحده لا

دعای خاتم

شریک له و کفرت بالجبت
والطاغوت و آمنت بسر
آل محمد و علانیتهم و ظاهر
هم و باطنهم و اولهم و آخرهم
حق تعالی براو رزق وسیع کردا
ند و هرگز محتاج مخلوق نشود
و از بلیات و شر شیطان و سلطان
محفوظ دارد و باید که در محل
بیرون رفتن از خانه همین عمل
کند که همین فایده میبخشد
ایضا روایت کرد شیخ صدوق
شیخ احمد بن علی بن احمد النجا
سی الصیرفی المشهور بابن سوفی

که نزد

که نزد موافق و مخالف صادق
است که خبر داد مرا ابو الحسن
محمد بن جعفر التمیمی که روایت
کرد شیخ ابو سوافاء شیرازی
که او گفت بجانب کرمان بجلی
د فته بودم در تاریخ سنه ا
سنین و اربعین و اربعمائه
بامر حاکم اخیاد رمیدان الیاس
مرا مقید ساختند و جمیع
اموال و اسباب مرا متصرف
شدند و من غمگین و متحیر
ماندم تا شب جمعه نماز گذاردم
و حضرت امام امام علی زین
العابدین ع شفیع آوردم و

جهت خلاص از حبس

التجا بحضرت رسالت پناه محمد ع
بردم در خواب شدم در حال
جمال آن حضرت را م در خواب
دیدم آن حضرت فرمود که ای ابو
سوفا ازجهت اصلاح کار آخر
وی و دنیوی بغیر از من وولی
من و دختر و فرزندان من توسل
مشو و بگوی اللهم صل علی
محمد و آل محمد و اهل بیته و اس
سئلك اللهم بحق محمد و ابنته
وابنيها و اسئلك بهم الا ما
اعنتني على طاعتك و رضوانك
و بلغتني بهم افضل ما بلغت

احد

احدا من اوليائهم انك جواد
كريم تا انتقام تو از و بگیرند من
گفتم یا رسول الله ظلم کردند بر
حضرت فاطمه ع و میراث از و باز
گرفتند و صبر فرمود و انتقام
از ایشان نگرفت آن حضرت
فرمود که آن عهدی بود که من
بان عهد کرده بودم و وعده
بود که بان وعده فرمودم و
ایشان نقض آن عهد نکردند
خلاف آن وعده نمودند و جا
لا وای بر کسی که متعرض مولا
خود گردد و آن امری که
تورا روی نماید بیکی از ائمه

جهة انتقام از اعدا

متوسل شو كه ترا نجات دهند
بجهت انتقام از اعدا توسل
جوى بحضرت امير المؤمنين ع
و بگوى بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم انى اسئلك بحق وليك
امير المؤمنين على ابن ابى
طالب ع الا انتقمت لى ممن
ظلمنى وغشمنى وبغى على
واذانى وانطوى على ذلك
وكفيتنى به مؤنة كل احد
من يؤذينى بسوء وظلم يا ار
حم الراحمين بجهة نجاة از جور

سلاوطين

سلاوطين و شر شيطان توسل
جويند بامام زين العابدين ع
و بگوى بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم انى اسئلك بحق و
ليك الحسن والحسين وعلى
ابن الحسين الا كفيتنى به
مؤنة كل شيطان مريد و
سلطان عنيد يتقوى على
ببطشه وينتصر على بجنده
انك جواد كريم بجهة امور
آخرت توسل جوى بحضرت
امام محمد باقر وجعفر الصادق ع

نجاة از جور سلطان

۹۷

بجهة امور آخرت

و بگوی بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک بحق و
لیک محمد و ابنه جعفر ع
الا اعنتنی بهما علی طاعتک
و رضوانی و آخرتی و بلغتنی
بهما من ذلک ما یرضیک
انک فعال لما یرید بجهة
امراض و طلب عافت توسل
جوید بحضرت امام موسی کاظم ع
و بگوی بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک بحق

جهة شفای امراض

ولیک العبد الصالح موسی
بن جعفر ع الا عافیتنی به مما
اخافه و احذره علی عینه
و جسدی و جمیع جوارح
بدنی ما ظهر منها و ما بطن
من جمیع الاسقام و الامراض
و الاوجاع یا ارحم الراحمین
یا جواد یا کریم بجهة سلامتی
بر و بحر بحضرت امام الجن و الا
نس علی ابن موسی کاظم ع توسل
جوید و بگوی بسم الله الرحمن الرحیم

جهة سلامتی در بر و بحر

اللهم انی اسئلك بحق ولیك
الرضا علی ابن موسی ع
الا لفیتنی وبحیتنی به و
سلمتنی به جمیع استقاری
فی البراری والبحار والجبال
والقفار والاودیة والفیافی
والشعاب من جمیع ما اخا
فه واحذره انك رؤف
رحیم بجهة طلب رزق
از حضرت رزاق کریم توسل
جوی بحضرت امام محمد التقی
ع و بگوی بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسئلك بحق ولیك
محمد بن علی ع الا جدت به
علی من وسعك ووسعت
علی من رزقك واغنیتنی به
عمن سواك وجعلت حا
جتی الیك وقضاها علیك
انك لما تشاء قدیر جهة
امور رستق و نیکی بجهة برادر
مؤمن توسل جوی بحضرت
امام علی النقی ع و بگوی
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلك بحق

وليّك علي بن محمد عليهما السلام الا
اعنتني به على قضاء نوافلي
و تأدية فرضك و برّ اخواني
المؤمنين و سهّل ذلك لي
واقرنه بالخير واعنّي على
طاعتك بفضلك يا ارحم
الراحمين و سعت امور آخرتي
توسل جوئی بحضرت امام حسن
عسکری علیه السلام و بگوی بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم انی اسئلک
بحق ولیک الحسن بن
علی الامین المؤدی الکریم

الن

الناصح العلیم الا اعنتنی
به علی امر آخرتی بما یبلّغنی
رضوانک و جنّتک فی
منقلبی برحمتک یا ارحم الراحمین
جمیع امور دنیوی و اخروی
بحضرت صاحب الامر توسل
جوی و بگوی بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک بحق ولیک
وحجتک صاحب الزمان علیه
عبادک و بقیتک فی ارضک
الخلف الصالح المنتظر صاحب
الزمان صلوات الله علیه الا اعنتنی به علی

جمیع اموری وکفیتنی به
مؤنة کل موذٍ وطاغٍ وباغٍ
وتدارکنی به وحبتنی بقدیم
احسانك الی واعنتنی به
فقد بلغ مجهودی وکفیتنی
به کل عدوٍ وهمٍ وغمٍ ودینٍ
ولوالدتی وولدی وجمیع
اهلی واخوانی ومن یعنینی
امره وحاجتی آمین یا رب
العالمین ایضاً مرویست از
محمد بن بابویه قمی که او روایت
کرده است از حضرت ائمه معصو
مین

مین ع که هر که این دعا را توسل
جوید بجهة هر امری از امور د
نیوی واخروی بخواند در زمان
بمقصود برسد هذا الدعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلك واتوجه
الیك بنبیك نبی الرحمة محمد
یا ابا القاسم یا رسول الله
یا حبیب الله یا امام الرحمة یا
سیدنا ومولانا انا توجهنا
واستشفعنا وتوسلنا بك
الی الله وقدمناك بین یدی
حاجاتنا یا وجیها عند الله

اشفع لنا عند الله يا ابا الحسن
يا علي ابن ابي طالب يا امير المؤ
منين يا اخا الرسول و زوج
البتول يا حجة الله على خلقه
يا سيدنا و مولانا انا توجهنا
و استشفعنا و توسلنا بك
الى الله و قدمناك بين يدى
حاجاتنا يا وجيها عند الله
اشفع لنا عند الله يا فاطمة
الزهراء يا بنت رسول

الله

الله يا ايتها البتول يا قرة عين
الرسول يا حجة الله على
خلقه يا سيدتنا و مولاتنا
انا توجهنا و استشفعنا و تو
سلنا بك الى الله و قدمناك
بين يدى حاجاتنا يا وجيها
عند الله اشفع لنا عند الله
يا ابا محمد يا حسن بن علي
ايها المجتبى يا ابن رسول الله
يا حجة الله على خلقه يا سيدنا

ومولانا انا توجهنا وا
ستشفعنا وتوسلنا بك الى
الله وقدمناك بين يدى حا
جاتنا يا وجيها عند الله اشفع
لنا عند الله يا ابا عبد الله يا
حسين ابن علي ايها الشهيد
يا ابن رسول الله يا حجة الله
على خلقه يا سيدنا ومولانا
انا توجهنا واستشفعنا وتو
سلنا بك الى الله وقدمناك

بين

بين يدى حاجاتنا يا وجيها
عند الله اشفع لنا عند الله
يا ابا الحسن يا علي ابن الحسين
يا زين العابدين ايها الساجد
يا ابن رسول الله يا حجة الله
على خلقه يا سيدنا ومولانا
انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا
بك الى الله وقدمناك بين يدى
حاجاتنا يا وجيها عند الله
اشفع عند الله يا ابا جعفر
يا محمد ابن علي ايها الباقر يا ابن

رسول الله يا حجة الله على
خلقه يا سيدنا ومولانا انا
توجهنا واستشفعنا وتوسـ
ـلنا بك الى الله وقدمناك
بين يدى حاجاتنا يا وجيها
عند الله اشفع لنا عند الله
يا جعفر بن محمد الصادق
يا ابن رسول الله يا حجة الله
على خلقه يا سيدنا ومولا
نا انا توجهنا واستشفعنا و
توسلنا بك الى الله وقدمنا

بين

بين يدى حاجاتنا يا وجيها
عند الله اشفع لنا عند الله
يا ابا ابراهيم يا ابا الحسن يا موسى
ابن جعفر ايها الكاظم يا ابن
رسول الله يا حجة الله على
خلقه يا سيدنا ومولانا
انا توجهنا واستشفعنا وتو
سلنا بك الى الله وقدمناك
بين يدى حاجاتنا يا وجيها
عند الله اشفع لنا عند الله
يا ابا الحسن الثالث يا على ابن

موسى الرضا يا ابن رسول الله
يا حجة الله على خلقه يا سيدنا
ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا
وتوسلنا بك إلى الله وقدمناك
بين يدي حاجاتنا يا وجيها
عند الله اشفع لنا عند الله
يا أبا جعفر يا محمد ابن علي
أيها التقي الجواد يا ابن رسو
ل الله يا حجة الله على خلقه
يا سيدنا ومولانا إنا تو
جهنا واستشفعنا وتوسلنا بك

الى

إلى الله وقدمناك بين يدي
حاجاتنا يا وجيها عند الله
اشفع لنا عند الله يا أبا الحسن
الرابع يا علي ابن محمد أيها
النقي الهادي يا ابن
رسول الله يا حجة الله على
خلقه يا سيدنا ومولانا
إنا توجهنا واستشفعنا بك
وتوسلنا بك إلى الله وقد
مناك بين يدي حاجاتنا يا
وجيها عند الله اشفع لنا

١٠٨

عِنْدَ اللّٰهِ يا اَبا مُحَمَّدٍ يا حَسَنَ
بْنَ عَلِيٍّ اَيُّهَا الزَّكِيُّ العَسْكَرِيُّ
يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ يا حُجَّةَ اللّٰهِ
عَلىٰ خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا وَ مَوْلانا
اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا
بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَّمْناكَ بَيْنَ
يَدَيْ حاجاتِنا يا وَجِيهاً عِنْدَ
اللّٰهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّٰهِ
يا قائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ يا وَصِيَّ الحَسَنِ
وَ الخَلَفَ الصّالِحَ يا اِمامَ زَما
نِنا يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَيُّهَا القا

ئِمُ المُنْتَظَرُ المَهْدِيُّ يا حُجَّةَ
اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا وَ مَوْ
لانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا
وَ تَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَّمْنا
كَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا يا وَجِيهاً
عِنْدَ اللّٰهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّٰهِ
وحاجتی که داشته باشد عرض
کند و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي تَوَسَّلْتُ
اِلَيْكَ بِهِمْ فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّهِمْ
عِنْدَكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَ اَنْ تَقْضِيَ

١٠٦

حوائجي للدنيا والاخرة

وسؤال كن حاجتي خودرا که او

انشاء الله براورده گردد بگوید

یا سادتي وموالي اني توجهت

بكم الى الله واستشفعت

بكم الى الله وتحكم كم وتقر

بكم ارجو النجاة من الله

فكونوا عند الله رجائي يا

سادتي يا اولياء الله صلى الله

عليكم اجمعين ولعن الله

اعدائكم وظالمكم من الاو

بي

لين والاخرين وصلى الله

على محمد وآله الطاهرين

وسلم تسليما كثيرا دفع صرع

وسحر وجنون مرويست از

حضرت امير المؤمنين ع که

این حرز را باخود دارد از ضرر

سحر و زهر وعلت صرع وجنون

وجور سلطان وشر شيطان

وخوف دزدان وضرر حاسدان

و بدان ایمن باشد بامر الله

تعالى حرز اینست بسم الله ال

الرحمن الرحيم اى كوش اف

كنوش اره شش بمطمطسطح يا
منططروث فريالسلوس ما
د١٠ ساماسوهايا طمطسا
لوش حمطوش حنطوش
مسففيش مشاصعوش ا
قطمعسوش لططفكش هذا
وماكنت وماكنت بجانب الغربي
اذا قضينا الى موسى الامر
وماكنت من الشاهدين اخرج
بقدرة الله منها ايتها اللعين
بعزة رب العالمين اخرج منها
والا كنت من المسجونين ء
اخرج منها فما يكون لك ان
تتكبر فيها فاخرج انك من
الصاغرين اخرج منها مذءوما

مدحورا

مدحورا ملعونا كما لعنا
واصحاب السبت وكان امر
الله مفعولا اخرج ياذوى
المحزون اخرج ياسودا يا
سودا بالاسم المحزون يا
منططرون طرعون مرعون
تبارك الله احسن الخالقين
يا اهيا شراهيا حيا قيوما
بالاسم المكتوب على جبهة
اسرافيل اطردوا عن صاحب
هذا الكتاب كل جني و
جنية وشيطان وشيطا
نة وتابع وتابعة وساحر
وساحرة وغول وغولة

١٠٨

وكل متعبث وعابث يغبث
يا بن آدم وبنات حوآء ولا
حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم وصلى الله على محمد وآله اجمعين

خير خير خير خير خير ثم ثم
سرحه حلد آمل وسرحلد

آمل

آمل آبل ثم ق محمد ع نوع ديكر

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله
وبالله ما جئتم به السحر ان الله
سيبطله ان الله لا يصلح عمل
المفسدين ويحق الحق
بكلماته ويقطع دابر الكافرين
فغلبوا هنالك وانقلبوا
صاغرين فالقى السحرة
ساجدين قالوا آمنا برب
العالمين رب موسى و
هرون ق قال فحذ هاولا

يفلح الساحرون حيث أتى
بل نقذف وبالحق أنزلناه و
وبالحق نزل قل جاء الحق
وزهق الباطل إن
الباطل كان زهوقا والق
ما في يمينك تلقف ما صنعوا
إنما صنعوا كيد ساحر ولا
يفلح الساحر حيث أتى بل نقذ
ف بالحق على الباطل وإن جندنا
لهم الغالبون ألا إن حزب
الله هم المفلحون فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم
و بخوان الحمد و اذا جاء و قل يا ايها

الكافرون

الكافرون وقل هو الله و معوذتين
وآية الكرسی و اگر کسی بنویسد
و با خود دارد سحر بر او اصلا
کار نکند دفع طبقهٔ گوسفند
بنویسد و در گردن گوسفند بندد
آن آزار دفع شود بسم الله الر
الرحمن الرحیم وهی تجلیه ما بینه
سه نبین المغث یا اساورا
هوویه هفتاد نزینه نرهم
عبق الله من سلیمان و انه بسم
الله الرحمن الرحیم با اسم گوسفند
فلان جهت زیادت شدن
روغن این دعا را بنویسد
بر خیک دوغ دار بندد و در
موم گیرد روغن خوب عمل آید

دعاء يوسف بسم الله الرحمن الرحيم
وبه اذا استسقاء موسى لقومه
فقلنا ضرب بعصاك الحجر فانفجرت
منه اثنتا عشرت عينا قد علم
كل اناس مشربهم كلوا واشربوا
من رزق الله ولا تعثوا في الا
رض مفسدين ثم قلوبهم
من بعد ذلك فهي كالحجارة
او اشد قسوة فان من الحجارة
لما يتفجر منه الانهار وان منها
لما يهبط من خشية الله وان
لكم في الانعام لعبرة نسقيكم
مما في بطونه من بين فرث و
دم لبنا خالصا سائغ للشاربين
ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر

وفجرنا

وفجرنا الارض عيونا فالتقى
الماء على امر قد قدر وحملنا و
على ذات الواح ودسر تجري
باعيننا جزاء لمن كان كفر ٨٢
٢٢ محه محه محه محه اللهم
ادم المين كثيرا والى ارزق والوا
سع على من علو عليه هذه
الاسماء بالف لا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم كشاد
تير وتوفنك وكمان
بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء
نصر الله والفتح وانا فتحنا لك
فتحا مبينا ففتحنا ابواب السماء
بماء منهمر يا فتاح يا فتاح يا [illegible]

يا فتاح ٯطاردا ط ااا دا ر ط اااا

ى سـ ااااا م اا ٯ

سـ ٯ ع اااااااا ع ااا ٢ ع ١

ااا ك ااا اا ااا ح ر ١ ٢ ١

جهة چشم زخم که حضرت
جبرائیل ؑ برای حضرت
امام حسن و امام حسین
ؑ آورده بود همیشه این تعویذ
جهة چشم زخم با خود داشتن
اللّهم یا ذا السلطان العظیم
و ذا المنّ القدیم و ذا الوجه الکریم
ولی الکلمات التامات والدعوات
المستجابات عافِ الحسن والحسین
من شر و انفس الجن و الانس
برحمتک یا ارحم الراحمین

جهة

جهة تب دار در روایت
وارد شده است که حضرت ر
سول صلعم را تب شدید عارض
شده بود جبرئیل این دعا را آورد
و بران حضرت خواند در دم
تب ازان زائل شد بسم الله
ارقیک بسم الله اشفیک بسم
الله من کل داءٍ بسم الله والله
شافیک بسم الله خذها
فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم
فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأنّ
باذن الله افسون کرمی که
میخورد فالیز و زراعت و باغ
در کوزه نماید افسون تمام
کرمها و ملخ و درندها و تکرک

بنویسد بر چهار پاره رقعه ان
رقعه‌ها را پاره‌ای بند دهرکی را در
یکجانب فالیز یا زراعت یا باغ بر زمین
بنهد مجرب است بسم الله
الرحمن الرحیم ایها الدواب
والحیوانات اخرجوا من هذه
الارض والزرع الی الصحراء کما
اخرج الله یونس من بطن الحوت
وان لم یخرجوا من هذه الارض
ارسلت علیکم جهت زن حامله
هرزن که حامله است این دعا را
نوشته بر بازوی خود بندد فرزند
او تلف نشود از تمام بلاها ایمن
باشد بصحت وسلامت فرزند
او متولد شود

هذا طلسم اینست

آهیا	شراهیا	آذو	نی	اصباوت
وبحق	ایاک	نعبد	وایاک	نستعین
وبحق	کهیعص	حمعسق وبحق	وبحق	سلیمان
ابن	داود	علیه	السلام	وبحق
محمد	حبیب الله	وبحق	علی اسد الله	ولی الله

۱۲۷۶۶۵۵۸۳

دفع لکها از برای لکه که در بدن
پیدا شود خطی بدور ان بکشد
بعد در وسط بنویسد لو ماتعا
ترعا وعلی صوا اتا رهی ثم من
السحاب صنع الله الذی اتقن
کل شیء الله خبیر بما تعملون
دفع وضع حمل اگر خواهد
حمل زن برود و دور کردن یا در

بازو بندد زود وضع حمل به
شود [سوا عورا] [سروسودن]
جهة زن که بچه از شکم برود
ریسمان که دوختر نابالغ رشته با
شد برابر قد عورة کند ریسمان
را نه گره زند ریسمان باید نه
رشته باشد در هر گره این آیه
را بخواند باز نگاه دارد ایضا
بسم اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَاصْبِرْ
وَمَا صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا تَحْزَنْ
عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ
مِمَّا يَمْكُرُوْنَ اِنَّ اللّٰهَ مَعَ
الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَالَّذِيْنَ هُمْ
مُحْسِنُوْنَ جهة آزار گوسفند

حضرت

حضرت موسی علیه السلام را
هفتصد هزار گوسفند بود همه را
رنج پیدا شد مثل درد سر و
درد جگر و درد آبله و یرغان
طبقه زردی و لنگ شدن
و آزار جن و چشم زخم و جلدی
مردن موسی ع بدرگاه خدا بنا
لید گفت خداوندا این حیوانات
را شفای بده هنوز دعا را تمام
نکرده بود که خطاب عزت در
رسید که بنویس این دعا را و در
گردن گوسفندان پیش رو کلمه
به بند چون چنین کردند تمام
شفا یافت دعا اینست بسم اللّٰه
الرحمن الرحیم يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّوْنَهُ
كَحُبِّ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ آمَنُوْا اَشَدُّ

حب الله والقیت محبة منی
ولتصنع علی عینی اذ تمشی
اختك وتقول هل ادلکم وهم
له ناصحون کوسفند فلان
فسیکفیکهم الله وهو السمیع
العلیم ح ح لہ ۱۲۸ ۱۵ ا ء ء ر ر
۱۲۱ ھ ۱ ع ۱ ء بحق هذه بحق
ایضا بر نان بنویسد برنهار
بخورد زن حامله شود
فاطمه للاوما للاولاامام محوم للاوهوما
جهه ملخ بر پای هفت ملخ بنو
یسد مجرب است یا اهل یثرب
لا مقام لکم جهه کم شیر و
درد پستان زنان بنویسد و در
گردن بند د بسم الله الرحمن الرحیم
سخا سخا له له لکم لکم سرها

حاج

حاج ولالاه مع هلح ۹ا
لامبارکه واوحینا الی ام موسی
ان ارضعیه فاذا خفت علیه
فالقیه فی الیم ولا تخافی ولا تحز
نی انا رادوه الیک وجاعلوه من
المرسلین امراسے صرالهسک
هذه دعاء از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله منقولست
که هر کس اراده سفری کند با
ید در در خانه خود بایستد و رو
بجانب که اراده دارد بکند پس
سوره حمد را از پیش رو وجانب
راست وجانب چپ بخواند
وآیة الکرسی را نیز از پیش
رو بخواند وجانب راست

115

وجب بعد ازان بگوید الله
اللّهم احفظنی وحفظ مامعی
وسلّمنی وسلّم مامعی وبلّغنی
وبلّغ ومامعی ببلاغك الحسن
الجمیل خدای تعالی حفظ کند
او را وانچه بخوطر جمع روانه
شود ازان سفر فایده بسیار
بیند تمام شد جهة درد کرفتن
اسب در کتاب در مکنون آو
رده است که اسب و هر حیوانی
که درد داشته باشد بر سم او
ن حیوان این ربع را بنویسد
باذن الله تعالی رفع شود
هذا طلسم

حح	حح	لا ١	لا ١
لالا	وو	=	ح و
وو	ک	٥	ما لا
و م	ح ح	ح	و م

جهة بر آزاری این طلسم را
نویشته در کردن اسب بندد
دویدن از همه اسبها بکذرد
هر خطا نه شود نه راکب نه
مرکوب

١ ٢ ٩ ١١ ٩١٩١١٨ ٨ ٩٠١٩

٩ ٩ ٩٩٩١١١٢ ١١١١٨٨ک

١١ ٩٩ ١١١١٩٨ک

جهة شاش بند اسب بر حیا
قطعه کاغذ نویشته بدین تر
تیب بر قوایم سم بچسپاند فی
الفور خوب شود هذا طلسم
دست راست دست چپ
سا سین سا سین

١١٦

پای راست   پای چپ
ماعیل   ماواب

ایضا بجهة درد اسب

بر خاک با انگشت شهادت
بنویسد اسب دات نوبت
بر کرد نوشته بگرداند عطاش
عیطوش عبطلوش بحق
موسی وانجیل عیسی باب
چهارده کلمهٔ اسمی اعظم
الله وتعالی فرمود که هر که مرا
بدین اسمها بخواند چهارده
مهم او میسر کردد اول بهشت
خاک بخواند و بر روی دو
شمن بریزد او را هیچکس
نه بیند دویم بنام هر کس بر آب
خواند بر و د مد بخورد مطیع

فرمان

فرمان بردار او شود سیم بر کاغذ
ی نویسد و بشوید و در روی
خود مالد هر که از و خشمناک
باشد مهربان کردد چهارم بر
پوست آهو نویسد بر دهنی
کسی نهد انکس سر خود را بد
وگوید پنجم بر سفال آب ندیده
نویسد بنام بنده های کریخته
بزیر سر نهد آن کریخته بز
ودی زود باز آید ششم بر پوست
آهو نویسد کاردینه بر روی
کار نکند هفتم بنویسد بمشک
و زعفران در میان مصحف
کذارد طوایف در خواب بیند
و دزد دار بکلی اخوت معلوم
کند هشتم بنام غایب بنویسد

117

بر حریر سفید و در میان مصحف
کن ار دغایب در خواب ببیند و
از احوال او خبر یابد که کجا است
و در چه کار است نهم مسافر بنو
یسد بر ساق پای خود بندد و
مانده نشود هرچند راه رود
دهم بر کاغذی بنویسد و با
خود دارد از بند زندان نجات
یابد ۱۳۱۱۱ هر که با خود دارد
از قهر سلطان و بلیهای ناگهانی
از شر سگ دیوانه شمشیر و تو
فنگ و نیزه در امان بوده باشد
در روز جنگ مظفر و منصور
بر که دو بر دشمن غالب باشد
هذا اسمی اعظم اینست

یا حفیظ

یا مختطا	یا طهونا	یا شعبونا
یا ملیوس	یا رغیوس	یا متقرشا
یا مشتلینا	یا ملسوس	یا معطابون
یا فیقوا ترخیخ	یا متخادث	یا شارثیث
یا مسلطع	یا مستطیع	وصلی الله علی محمد و آله اجمعین

ایضا اگر کسی را سحر کرده باشند
این دعا را با خود دارد باطل شود
اعداد اسماء الله تعالی که موافق
اعداد است بنویسد یقین که تا
تیرات قوی داشته باشد مربع
بدین صورت است

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
معید جبار	سمیع حق	مبدی والی	دیان

117

واسع علیم	رازق	حی	عدل
محیط	مساجد حمید	وعرن	نور باسط

وایضا وگفته اند اگر کسی بسم
الله الرحمن الرحیم را بطریق
تکبیر در مربعی درج کند اون
را با خود نگاه دارد کارهای بسته
او گشاده شود و از مکر غمازان
و وسوسهٔ شیطان و جمیع
بلاها ایمن باشد اگر این مربع
در شرف آفتاب نویسد و
معطر ساخته با طهارت و
تعظیم نگاه دارد بمقصود خود
برسد بزودی زود و اگر بسم
الله الرحمن الرحیم را بر صورت

مربعی

مربعی نویسد بدین طریق و اسم
اون بیمار را در عوض فلان ابن
فلان نویسد و در زیر بالین بیمار
گذارد بحق خدا اگر بیمار باشد البته
شفا یابد این مجرب است

العلی العظیم

ایضا نقل است از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام که
فرمودند در هر ماهی چند روز
نحس است چنانچه گفته اند
که در هر ماه دو روز نحس است
هر فرزندی که دران روز متولد
شود فاند و اگر کسی بیمار شود

111

بر نخیزد و اگر درختی بنشاند
سبز نشود و اگر کسی بجنگ
رود کشته گردد و اگر بسفر رود
به سلامت باز نیاید هیچ کار نبا
ید کرد که خوبی ندارد تمام شد

محرم یازدهم چهارم	صفر اول سیم	ربیع الاول دهم سی ام
ربیع الاخر اول پنجم	جمادی الاول یازدهم دوم	جمادی الاخر دوم چهارم
رجب یازدهم و سیزدهم	شعبان سیم و چهارم	رمضان نهم بیستم
شوال هفتم هشتم	ذالقعده دوم پنجم	ذالحجه ششم و هفتم

ایضا هر کس بنویسد این دعا را
و با خود دارد او را قبول است
و مهر در میان خلق عزیز گردد

111 الٓم یا ایها الذین فالف بین
قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا
ایضا هر کس بنویسد و با خود
دارد زبان خلقان بروی بسته
شود ب ب ایضا
هر کس با خود دارد هر جا رود
نترسد

ایضا اگر خواهی بدانی که زن
حامله پسر دارد یا دختر زن
حامله انگشت خود را در این خانها
بگذارد اگر بخانه شمس و مریخ
و قمر نهد پسر باشد اگر بخانه
عطارد و مشتری و زهره گذارد
دختر باشد

112

شمس	مریخ
قمر	عطارد
مشتری	زهره

ایضا دفع تب ولرز بنویسد
بر کاغذی و بخورد بقدرة الله
و تعالی شفا یابد قد فرت
و قدرت و قد قلت [illegible]
نوع دیگر جهة تب ولرز بران
نویسد بدود مد تا بخورد شفا
یابد در [illegible] نعمه

یوم مد بامره لبسم لبسم لبسم
تب لرز فلان ابن فلان ایضا
هر کس بیمار باشد این اسم را
در زیر دامن او دود کنند بسیار
نافع است / قربیش بربیش شعوش
عروش دهروش مهروش
هروش هوش ایضا کردنامه
اگر بنده گریخته باشد بنویسد
این کردنامه بر چرخ بندد چرخ
را بر چپ و راست بگرداند
سرگردان شود

١٤	٢٦	چرخ	٥٥	٥٥
رحم	سارتو	لواه	ازیخ	راه
[illegible]	مکا	باسم	فلان	ابن فلان

مِن سُلَيمانَ وَ اِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ نوحَا نوحَا ودر
آخر نظر بر ستاره سهيل اندا
زد دفع ابله طفل كه آبله
بهم رسد اين طلسم را بنويسيد
ودر كردن او بندد شفا يابد

لاح	عا	٣	ى	١١	١٤
ح	٤	٤	٣	٤	٤
٥ م	١	الله	ع	٥	٢

ايضا بر دماغ بيمار بلبته ابى ميدارد
كه بجواب آيد حاقوق ماقوق
ماقوق لاقوق ساقوق قا
قوق ايضا اين آيه را برخواند
مه و ع و ى اكه

يوم مد باهره لبتم لبتم لبتم
تب له ذفلان ابن فلان ايضا
هركس بيمار باشد اين اسم را
در زير دامن او دود كنند بسيار
نافعست / قريش بريش شعوش
عروش دهروش مهروش
هروش هوش ايضا كردنا
اگر بنده كريخته باشد بنويسد
اين كردنامه بر چرخ بند چرخ
را بر چپ و راست بگرداند
سر گردان شود

٥٥	٥٥	چرخ	٢٦	١ع
راه	ازبع	نراه	سرنو	رحم
ابن فلان	فلان	باسم	سكا	سبح

جهنم فتکوی بها جباههم
وجنوبهم وظهورهم هذا
ما کنزتم لانفسکم فذوقوا
فلن نزیدکم الا عذابا ایضا
هرگاه خواسته باشد که ارواح را
بکوداند این آیه را بخواند بکردد
وما محمد الا رسول الله
قد خلت من قبله الرسل
فاین مات او قتل انقلبتم فا
انقلبوا علی اعقابکم سخا
سرین ایضا بجهة آشکار کسی
که بسته شود نویشته بردانی توفک

بقائد صم بکم عمی فهم لا
ینطقون ایضا دفع که هر طفل
کودکم که خواب نکند نویشته
بران طفل بندند بسم الله وبا
الله ومن الله والی الله ولاغا
لب الی الله نستعین وبالله ومن
یتوکل علی الله فهو حسبی الله
ان بالغ امره وقد جعل الله بکل
شیء قدرا

جهة ابله طفل نویشته
درکردن او ببندد
علاج درکو

٦	٤	٥	١١
	٧	٤	١٣
	١١	١٥	٩
		٢	٣

١٢٢

... بدست ... رزق ...

... بیاید که دو دکند مجرب است

بسم الله الرحمن الرحیم

۳ ط ط م ۱۱۱ م مها یا ۱۱ ه

لاما کفه و ءءء و رام

یا ۱۱۱ ۵ ارف ام حالا اط

الا ط ۸ ما ۵ ط ما ۱۰ اله

ایضا جهة درد سر دست بر سر
گرفته بخواند یا بنویسد بر سر ببندد
بسم الله الرحمن الرحیم
کهیعص ذکر رحمت ربک
عبده زکریا اذ نادی ربه ندآء
خفیا قال رب انی وهن العظم

منی واشتعل الرأس شیبا و
لم اکن بدعآئک رب شقیا

ایضا در دفع قرض و وسعت
رزق مرویست که چون کسی
بام قرض گرفتار باشد بعد از
هر نماز فریضه و در حین شنیدن
آواز مؤذن بخواند این دعا را
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم ان کان رزقی فی
السماء فانزله وان کان

فی الارض فاظهره و ان

ان قد اعطیتنیه فبارک
فیه وجنبنی علیه المعاصی
والتردی برحمتک یا ارحم الرا
حمین هذا دعاء
ام الصبیان اینست
بسم الله الرحمن الرحیم
یا فتاح یا وهاب یا غنی یا
رزاق یا مفتح الابواب
یا قاضی الحاجات نصر من
الله و فتح قریب ایضا

جهة دیوانه وجنون وضعف
ول زیدن و از شر جن و انس
و شیاطین مجرب است
هر که شک آورد کافر گردد نعوذ
بالله دارنده این دعا از شر جن
وانس و پری و ترسیدن شب
ایمن باشد و اگر فرزندی را فرزند
نماند یا سقط می شده باشد
این دعای ام الصبیان را با خود
دارد فرزند آن زیان نرسد
واز شر جن وانس واز چشم

تعالى باشد

بسم الله الرحمن الرحيم
هذا الكتاب من الله العزيز
الحكيم من نقش خاتم سليمان
ابن داوود عم ملكا جن والا
نس وكل مناء وغواص ولا
جميع ما في الارض صاحب
هذا الكتاب من المز لازلة
وتوبع ام الصبيان من

الدهش و الابرش والا
بيض وشر جميع الارواح
الخبيثة الخسيسة عزمت
عليكم يا معاشر الارواح
اليهود تبين واني عزمت
١٢٦ عليكم فتبارك الله احسن

السماء و الارض الار

تعالى باشد

بسم الله الرحمن الرحيم
هذا الكتاب من الله [illegible]
انسب هذا الكتاب في ليلة
ولا في النهار ولا في حضر و
واعيذه بحق توريه وايات
ومن القرآن وقرأتها لا
اله الا هو الحي القيوم
وحده لا شريك له الها

واحدا

واحدا او ملكا وعزيزا لا اله
الا هو الحي القيوم لا شريك
له الها واحدا او ملكا وعزيزا
لا اله الا هو الحي القيوم
لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الظالمين [illegible] فاستجبنا

تعالی باشد

بسم الله الرحمن الرحیم
هذا الکتاب من ...
...
یشفع عنده الا باذنه یعلم ما
بین ایدیهم وما خلفهم ولا
یحیطون بشیء من علمه الا
بما شاء وسع کرسیه السموا
ت والارض ولا یؤده
حفظهما وهو العلی العظیم

والقهار

والقهار القوی الذی لا اله
الا هو العزیز الحکیم ان
الدین عند الله الاسلام
لرحمة هذا تعویذ باسم
الذی الله العلی العظیم تعا
لی فی ملکه الرحیم الرحماء
... العلماء بصیر البصر اغفو

... السماء و الارض ...

تعالی باشد

بسم الله الرحمن الرحيم
هذا الكتاب من الله [illegible]
[illegible] المقهور [illegible]
الحشر و النشور جامع الناس
يوم القيامة رحيم شكور حليم
والحمد لله رب العالمين
ورب العرش العظيم والحمد
لله الملك الرحيم الاول
القديم خالق العرش العظيم

والسموات

والسموات والارض وهو
السميع العليم قابل التوب
شكور حليم غفور رحيم
هو الاول والاخر والظا
هر والباطن الفاتح الدا
[illegible]
[illegible] صاحب العطايا

السموات والارض [illegible]

تعالى ... الخاصين
... سبحانك ...
لا انت الكريم المعبود غا
فر الخطايا وكثير العطايا و
ساتر العيوب شكور حليم
عالم في الحدود ومنبت الز
روع والاشجار مدبر الليل
والنهار خالق الحبوب عن
الخلائق قاسم الارزاق
علام

علام الغيوب مذهب الهموم
الهي انت الذي سبحانك سجد
لك سواد الليل والنهار
وضوء القمر وشعاع الشمس
وخفيف الشجر ودوي
الماء الهي انت الذي سجد
لك السماء والارض وانه

١٣٠

يتوب ما في الذنوب
الهي انت الذي تعفو ا
ن المعاصي بعدان يذنب
في الذنوب الهي انت الذ
كل خلقه ينصرف اليك
بالمنسوب يوم النشور
الهي انت الذي تغفر لي

خطيئتي

خطيئتي كلها يا رب نفس
حاجتي كما قلت ادعوني
استجب لكم وانت بوعدك
صادق نجني من الكرب
والهم والغم والهرب
انت غياث كل مكروب و
[illegible]ب ومضروب ومد

١٣/

ت الدنيا والآخرة
أحوالها ولا تفضحني
سيدي على رؤس الخلا
ئق خاصة في يوم الموعود
الله أكبر الله أكبر الله أكبر
الله أكبر كبيرا لا ضد له
ولا ند له ولا وصف

له ولا حد له ولا حدود
له ولا كفو له في الملك
ولا وزير أسئلك يا عزيز
يا عزيز يا الله يا الله
يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن

تعالى ... الخاصين

... وشجاعة ...

... في الدنيا والآخرة

اخم الطاو لا تفض ...

... ودنيا ...

منت ... الور ...

... عل ...

... وفر ... حفظ

... آي ...

... ابدى وطى